

همراه با غدیر

مقدمه

خداوند به جهت هدایت بشر از تمام ظرفیت های هستی بهره گرفته است تا بشر به تکامل خود برسد در این میان اعتقادات، مهم ترین رکن هدایت است. روح اعتقادات نیز بحث امامت است. در قرون متمادی پیروان اهل بیت علیهم السلام برای گسترش میحث امامت در گستره‌ی شعاع و شعور اقدامات منحصر به فردی را پایه گذاری کرده‌اند. و فرهنگ امامت و ولایت از غدیر تا غدیر فرهنگ سازی شده است و برای تعمیق و گسترش آن فعالیت گردیده ، استفاده از ایام دهه ولایت و امامت به عنوان ظرفیت بیان معارف شیعه گامی در جهت همین فرهنگ سازی است. خداوند تکویناً ایام غدیر را مملو از مهم ترین شأن نزول های آیات و روایات اعتقادی مسلمین قرار داده است، و بدون این که نیاز به مناسبت سازی باشد ایام بسیار شاد و اعیاد بسیار مهم همراه با مهم ترین مباحث اثبات حقانیت شیعه را در غدیر و ایام قبل از آن و ایام بعد از آن قرار داده است. امام هادی علیه السلام صاحب زیارت جامعه و زیارت غدیریّه به بیان بالاترین معارف امام شناسی در این دوزیارت پرداخته اند. در ایام غدیر بود که جریان آیه (سَأَلْ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ) اتفاق افتاد. در ایام غدیر استدلالهای بسیار مهم بر حقانیت شیعه مانند آیه ولایت، آیه تظهير، حدیث کساء، و سوره هل اتی نازل شد نکته بسیار قابل تأمل این است که امر به تبلیغ امامت و ولایت در این ایام صادر شده است. چرا که آیه ابلاغ در این ایام نازل شده است.

1. مبانی خطبه غدیر در سیر حیات نبوی(ص)

با بررسی سیر حیات مبارک رسول الله(ص) به مبانی غدیر خواهیم رسید. مبانی خطبه غدیر بسیاری از جمله آنها می توان به « آیات ولایت و مباحثه، سدالایوب، حدیث ثقلین، اعطای ودایع نبوت به امیرالمؤمنین علیه السلام، نزول لقب امیرالمؤمنین برای حضرت علی علیه السلام، اعطای فدک به حضرت زهرا سلام الله علیها و ماجراهای پیرامون آن، حدیث منزلت، حدیث کساء و واقعه هرشا» اشاره کرد.

1-1. آیه ولایت

روز 24 ذی الحجه قبل از سال هفتم هجرت، عبدالله بن سنان با تعدادی از اقوامش که همگی قبلاً یهودی بودند و مسلمان شده بودند خدمت پیامبر اکرم(ص) رسیدند. عبدالله به پیامبر(ص) گفت: ای پیامبر (ص) حضرت موسی وقتی میخواست از دنیا برود یوشع بن نون را وصی خود قرار داد، شما نیز وصی و جانشین و امام بعد از خود را معرفی کنید. در این هنگام جبرئیل نازل شد و

این آیه را نازل کرد: (إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ). اصحاب مراد آیه را متوجه نمی‌شوند. پیامبر (ص) فرمودند بلند شوید، همه به سمت مسجد حرکت کردند، دیدند فقیری از مسجد خارج می‌شود پیامبر(ص) پرسیدند: ای فقیر آیا در مسجد کسی به تو چیزی داد؟ فقیر گفت: بلی، این انگشتر را. سؤال فرمودند: چه کسی آنرا به تو داد؟ عرض کرد: آن مرد که نماز می‌خواند. سؤال فرمودند: در چه حالتی بود که انگشتر را به تو داد؟ او عرض کرد در حالت رکوع بود. پیامبر(ص) تکبیر گفتند. با تکبیر ایشان اهل مسجد نیز تکبیر گفتند. پیامبر(ص) فرمودند: علی بن ابی‌طالب بعد از من ولی شماست. بدین صورت خداوند کسانی را که می‌خواستند خلیفه‌ی پیامبر(ص) را بشناسند به زیبایی پاسخ گفت. استدلال به این آیه برای اثبات مبانی خطبه غدیر و حقانیت عقائد شیعه است. در این آیه خداوند با کلمه «إِنَّمَا» ولایت را منحصر کرد در سرپرستی خود و رسول و امیرالمؤمنین، پس با وجود اینان هیچ کس ولایتی ندارد. همانگونه که فرد در حال روزه‌داری می‌تواند نماز هم بخواند یعنی عبادتی را در ظرف دیگر انجام دهد، حضرت علی (ع) صدقه را که یک عبادت است در ظرف نماز انجام داد. این آیه دلیل بر عصمت امیرالمؤمنین (ع) است زیرا ولایت مطلقه ایشان را اثبات می‌کند و تنها از کسی که معصوم است باید تبعیت مطلق کرد. سؤال عبدالله بن سنان که گفت: موسی وصی خود را مشخص کرد، وصی شما کیست؟ نشان می‌دهد این عقیده که گفته می‌شود: پیامبر(ص) امر بعد از خود را به مردم واگذار کرد عقیده باطلی است. این که پیامبر در غدیر فرمودند: هر کس که من مولای اویم بعد از من علی (ع) مولای اوست، تفسیر (إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا) است. کلمه «إِنَّمَا» می‌رساند که جعل ولایت هم از طرف خداست هم انحصاری و انتصابی است و بدون امر خدا هیچ کس بر دیگری ولایتی ندارد.

1-2. آیه مباهله

جریان مباهله اینگونه بود که در سال نهم هجری پیامبر به دستور خداوند، مردم نجران را به اسلام دعوت کردند و آنان را مخیر نمودند که مسلمان شوند یا جزیه دهند. علمای نجران مشورت کردند و هشتاد و هشت نفر از بزرگان خود را برای تحقیق به مدینه فرستادند و آنان گفتند: عیسی پسر خداست چون پدر ندارد. خداوند وحی فرستاد که حضرت آدم نه پدر داشت نه مادر. مباحثات زیادی بین آنها واقع شد و نجرانیان در همه مباحثات شکست خوردند و در آخر پیشنهاد دادند که بیابید مباهله کنیم که آیه مباهله نازل شد: «فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ آبَاءَنَا وَآبَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ» در روز مباهله پیامبر تنها با امیرالمؤمنین (ع) و حضرت زهرا و امام حسن و امام حسین علیهم السلام برای مباهله حاضر شدند و نجرانیان که آثار عذاب را مشاهده کردند ترسیدند و از مباهله منصرف شدند و عده‌ای از آنان مسلمان شده و بقیه به دادن جزیه راضی شدند و این پیروزی بزرگ مسلمانان بر مسیحیان زبان‌زد خاص و عام شد. استدلال به این آیه برای اثبات مبانی خطبه غدیر و حقانیت عقائد شیعه است. این آیه هنگام مباهله با وجود زنان مؤمنه و حتی زنان پیامبر (ص) هیچ یک از آنان برای مباهله دعوت نشدند، بلکه تنها حضرت زهرا (س) را آوردند و این نشان می‌دهد که تنها حضرت زهرا (س) در بین تمام زنان استحقاق ورود به این عرصه را داشتند. در این آیه خداوند حضرت علی (ع) را نفس پیامبر خواندند و این اتحاد وجودی و مساوات بین آن دو را می‌رساند. اگر پیامبر اولی به تصرف هستند، نفس پیامبر(ص) هم اولی به تصرف است. با وجود پیامبر کسی حق سرپرستی امت را ندارد و با وجود نفس پیامبر نیز کسی حق سرپرستی امت را ندارد. بعد از جریان سقیفه خانه‌ای که به آتش کشیده شد شامل اهل مباهله بود؛ یعنی در آن خانه، حضرت فاطمه و حضرت علی و امام حسن و

امام حسین(ع) بودند. عدم دعوت از خلفای سه‌گانه و زنان پیامبر(ص) در قضیه مباحله با وجود نفوذ و تأثیر آنان در بین مردم بسیار قابل تأمل است چراکه استجابت دعا لیاقت می‌خواهد نه سن زیاد و عده و عده.

1-3. سدّ الابواب

یکی از فضائلی که به صورت قطعی از شیعه و سنی نقل شده است ماجرای سدّالابواب است که وقوع آن در نهم ذی الحجه است. در زمان رسول خدا وقتی که مسجد النبوی ساخته شد عده‌ای از اصحاب و بنی هاشم خانه خود را بگونه‌ای ساختند که یک درب آن به مسجد باز می‌شد تا بتوانند سریعتر به مسجد بیایند و گاهی بدون طهارت وارد می‌شدند. تا اینکه در این روز پیامبر(ص) امر فرمودند: همه اصحاب درب خانه خود را که به سمت مسجد باز می‌شد ببندند. غیر از خانه خود و خانه‌ی علی علیه‌السلام که اجازه دادند باز بماند عده‌ای نزد پیامبر آمده و گفتند: چرا علی را داخل کرده و مارا خارج نمودی؟ پیامبر صل الله علیه و آله فرمود: این کار به امر خدا بود و تسلیم حکم خدا شوید، این جبرئیل است که از طرف خدا به من امر کرد علی را ساکن کنم و شما را خارج کنم. استدلال به حدیث سدّالابواب برای اثبات مبانی خطبه غدیر و حقایق عقاید شیعه است چراکه همان‌طور که در آیه مباحله حضرت علی جان پیامبر معرفی شد، در این ماجرا هم خداوند بین پیامبر و حضرت علی و ذریه ایشان تفاوتی قائل نشد. و رسول الله(ص) فرمودند: که هیچ‌کس حق ندارد در این مسجد با همسر خود نزدیکی داشته باشد جز من و علی و فاطمه و اولاد فاطمه علیهم السلام پس آنان در هر حالتی پاک و معصوم هستند. خداوند به وضوح نشان داد که اهل بیت علیهم السلام با دیگران قابل مقایسه نیستند. پیامبر(ص) در ادامه سدّالابواب فرمودند: که این ماجرا شبیهه ماجرای موسی و هارون است که موسی مأمور شد مسجدی بسازد که جنب در آن بیتوته نکند مگر هارون و ذریه هارون، پس هارون هر ویژگی دارد حضرت علی(ع) هم آن را دارد. امیرالمؤمنین(ع) در قضیه‌ی شورا به این فضیلت خود احتجاج کردند.

1-4. حدیث ثقلین

حدیث ثقلین دلیلی بسیار گویا و پر مفهوم بر عصمت، افضلیت و همسنگی اهل بیت علیهم السلام با قرآن است. پیامبر اکرم(ص) به طور مکرر در مکان‌های متفاوت، بیانه‌های گوناگون این حدیث را به زبان آوردند و بسیاری از اصحاب آن را نقل کردند و بین شیعه و اهل سنت از متواترات قطعی الصدور می‌باشد. استدلال به حدیث ثقلین برای اثبات مبانی خطبه غدیر و حقایق عقاید شیعه است. همان‌گونه که تبعیت از قرآن واجب است تمسک و تبعیت از اهل بیت هم واجب است. کلمه ثقلین نشان از جایگاه بسیار عظیم اهل بیت دارد. جدا شدن از اهل بیت موجب ضلالت است حتی اگر یک لحظه باشد، و تمسک به آن‌ها موجب هدایت می‌شود. قرآن جدا کننده حق از باطل است و اهل بیت نیز میزان شناخت مؤمن از کافر است. تا زمانی که قرآن در میان مردم است امام معصوم نیز در بین مردم می‌باشد، چون که پیامبر(ص) فرمودند: ((لن یفترقا)) پس این حدیث دلالت بر وجود حضور امام معصوم در هر عصری است. همان‌گونه که از قرآن نباید سبقت گرفت از اهل بیت نیز نباید جلو افتاد در بعضی از نقلها آمده که بر آنها مقدم نشوید که هلاک خواهید شد.

1-5. سپردن ودایع الهی به امیرالمؤمنین علیه السلام

سنت الهی براین قرار گرفته که هرگاه پیامبری با وحی الهی به نزدیک شدن اجل خود پی ببرد، ودایع الهی را به وصی خود منتقل می‌کند و آن‌ها را تحویل حجت بعد از خود می‌دهد، و این از نشانه‌های قطعی وصایت آن فرد است. در حجة‌البلاغ پیامبر اکرم (ص) نیز بعد از مراسم حج در آخرین روزی که در مکه بودند به امر خداوند تمام میراث پیامبران گذشته را به امیرالمؤمنین (ع) تحویل دادند. این میراث مواردی مانند پیراهن حضرت یوسف (ع)، عصای حضرت موسی (ع)، انگشتر حضرت سلیمان (ع) و اسلحه و صندوق و از همه مهم تر علم و حکمت الهی، اسم اعظم و آثار و دانش پیامبران است که به‌طور کامل تحویل امیرالمؤمنین شد. به عنوان مثال عصای حضرت موسی چوبی است که همیشه تر و تازه است و هر دستوری را که حجت خدا به او بدهد انجام می‌دهد و اگر با آن سخنی بگوید جواب می‌دهد و وقتی امام زمان آن را به زمین می‌زند هرچه در مقابلش باشد می‌بلعد. و یا اسم اعظم اسمی است که تخت بلقیس را در یک چشم به هم زدن از فاصله هزار منزلی به نزد سلیمان حاضر می‌کند. استدلال به حدیث برای مبانی خطبه غدیر و اثبات حقانیت عقائد شیعه است. انتخاب وصی به دست پیامبران نیست، بلکه با وحی الهی و انتصاب خداوند است. جوان بودن دلیلی بر عدم کفایت نیست چراکه گاهی خداوند پیامبری را به یک جوان مثل حضرت داود یا نوجوانی مثل حضرت یحیی و یا حتی نوزاد مثل حضرت عیسی اعطا می‌کند. پس نباید جوانی حضرت علی (ع) را بهانه تأخیر ایشان از خلافت قرار داد. کسی که با عمل و روش امیرالمؤمنین مخالفت کند با عمل و روش پیامبر (ص) مخالفت کرده چون که هر دو از یک علم و حکمت منبث می‌شود، پس در شورا که به حضرت علی (ع) پیشنهاد شد از روش شیخین تبعیت کنید و ایشان نپذیرفتند و فرمودند: به سنت پیامبر (ص) و روش خودم عمل می‌کنم دلیل بر آن است که روش شیخین مخالف روش پیامبر و امیرالمؤمنین یعنی مخالف روش الهی است. با وجود صحابه مسن و اطرافیان پرنفوذ، انتخاب امیرالمؤمنین (ع) نشان از برگزیدگی الهی ایشان دارد، زیرا قرآن می‌فرماید: (و ما ینطق عن الهوی) همان‌گونه که تحویل میراث انبیاء از پیامبری به پیامبر دیگر، دلیل بر انتقال پیامبری به نفر بعد بوده است و حجت بعد تعیین می‌شده است؛ این تحویل میراث نیز دلیلی بر امامت امیرالمؤمنین است.

1-6. بخشش فدک

در روز 14 ذی‌الحجه پس از جنگ خیبر سرزمین بسیار عظیم فدک تنها بوسیله پیامبر و امیرالمؤمنین (ع) فتح شد و چون رزمندگان اسلام برای آن جهاد نکرده بودند طبق آیه قرآن (مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ...) ملک شخصی پیامبر می‌شود. در این هنگام خداوند به پیامبر (ص) وحی نازل فرمود که (وَآتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ). پیامبر اکرم (ص) سوال کردند: این حق چه کسی است؟ جبرئیل جواب آورد که حق فاطمه سلام الله علیها است، فدک را به حضرت فاطمه (س) بده. پیامبر نیز فدک را به حضرت زهرا (س) دادند. و برای اینکه بعدا بهانه گیری نشود، برای آن قبایلهای نوشتند و حضرت علی و امام حسن و امام حسین و امامین را به عنوان شاهد قرار دادند. و برای اینکه مردم کاملاً متوجه شوند مدیریت آنرا به ایشان واگذار کردند. و حضرت زهرا (س) کارگران و نیروهای خود را در آنجا گماشتند و هرساله با درآمد آن به زنان پیامبر (ص) شهریه می‌دادند و فقرای مدینه را بهره‌مند می‌کردند و این امر در بین اهل مدینه و اهل فدک شایع شده بود. استدلال به این آیه برای اثبات مبانی خطبه غدیر و حقانیت شیعه است. در این آیه خداوند متعال حضرت زهرا (س) را به عنای ذوی‌القربای پیامبر (ص) معرفی کرده است و در آیه‌ای دیگر اجر رسالت را مودت به ایشان قرار داده است، پس اگر کسی به فاطمه (س) محبت نکند اجر رسالت را ادا نکرده است. حال که تنها راه تقرب به خداوند محبت به حضرت زهرا (س) است پس مهمترین راه تقرب به شیطان و طاغوت، ظلم به

حضرت زهرا است. اهل بیت فرزندان حضرت زهرا (س) هستند و ذوی القربای ایشان، پس ادای حق آنان واجب قرآنی است. ماجرای بخشش فدک را خداوند اینگونه طراحی کرد تا در آینده شناخت حق و باطل راحت‌تر و با اندک تأملی صورت پذیرد.

1-7. حدیث منزلت

داستان حضرت موسی و هارون با تمام زوایا در قرآن به صورت گسترده بیان شده است که در حقیقت بیان فضائل امیرالمؤمنین است، چرا که پیامبر هارون و موسی را به خود و حضرت علی (ع) تشبیه کرده است و حتی در روایتی فرمودند: هر اتفاقی در قوم بنی اسرائیل افتاده باشد در امت من نیز خواهد افتاد. و از جمله این اتفاقات جایگاه حضرت هارون نسبت به حضرت موسی است که به حدیث منزلت معروف است. یکی از مناسبت‌هایی که پیامبر اکرم در آن حدیث منزلت را بیان فرمودند هنگامی بود که لشکر اسلام از مدینه به سمت تبوک حرکت می‌کرد و پیامبر حضرت علی (ع) را به عنوان جانشین در مدینه قرار داد و منافقین شروع به شایعه پراکنی کردند که پیامبر، علی (ع) را دوست ندارد و با خود نبرده است. حضرت علی خود را به پیامبر رساند و این شایعه را برای ایشان مطرح نمودند و پیامبر فرمودند: ای علی، نو برای من مانند هارون برای موسی هستی. و در خطبه غدیر نیز پیامبر این حدیث را تکرار نموده و اینگونه بیان نمودند: به درستی که حضرت علی برادر و وصی و جانشین من است او بعد از من امام شماست و جایگاه او نسبت به من مانند جایگاه هارون نسبت به موسی است ولی بعد از من پیامبری نخواهد آمد و بعد از خدا و رسول خدا او مولای شماست. استدلال به این روایت برای اثبات مبانی خطبه غدیر و حقانیت عقائد شیعه است. حضرت هارون وزیر حضرت موسی است حضرت علی (ع) نیز مقام وزارت را دارند. وزیر به کسی گفته می‌شود که در نبود امیر تمام مسئولیت‌های او را متصدی شود. هارون برادر موسی است و پیامبر هم در روزی که پیمان برادری بین اصحاب می‌بستند بین خود و حضرت علی (ع) عقد برادری برقرار کردند و فرمودند: ای علی تو برادر من در دنیا و آخرت هستی. با وجود هارون پیروی از سامری حتی اگر هم صاحب کرامت باشد، بیرون رفتن از توحید است و با وجود حضرت علی (ع) پیروی از دیگران بیرون رفتن از توحید است. همانگونه که شراکت هارون با موسی و انتخاب هارون در نبوت از طرف خداست انتخاب امیرالمؤمنین هم از طرف خداست. همانگونه که کسانی که حضرت هارون را رها کرده و گوساله پرستی را پذیرفتند، غضب الهی بر آنان واقع شد و ذلت در حیات دنیا را پذیرفتند کسانی هم که حضرت علی (ع) را رها کردند همان سرنوشت را خواهند داشت.

1-8. واقعه هرشا

پیامبر اکرم (ص) سه روز پس از غدیر و انتصاب امیرالمؤمنین علی (ع) به امامت و ولایت امت رسول الله (ص) به سمت مدینه حرکت کردند و منافقان که وجود پیامبر در مدینه را مضر می‌دانستند تصمیم گرفتند پیامبر خدا را قبل از رسیدن به مدینه به قتل برسانند با به خیال خود امامت و خلافت را از مسیر خود منحرف سازند. به همین علت در کوه‌های هرشا پنهان شده و در مسیری که باید شتر پیامبر (ص) از آنجا حرکت می‌کرد و مشرف به یک پرتگاه بود ترور را برنامه ریزی کردند. جبرئیل نازل شد و به پیامبر (ص) عرض کرد چهارده نفر در گردنه هرشا کمین کرده‌اند تا شتر شما را رم دهند. عمار و حذیفه شمشیرهای خود را کشیده و دنبال آنان می‌روند و منافقین فرار می‌کنند نوری زده می‌شود و حذیفه منافقین را می‌بیند از آن پس حذیفه را منافق شناس می‌دانستند ولی پیامبر (ص) حذیفه را از نام بردن و افشای آنها منع کرد. استفاده از این ماجرا برای اثبات مبانی خطبه غدیر و عقائد حقه شیعه است. حذیفه منافق شناس شد پس باید دید بعد از سقیفه طرفدار کیست، امیرالمؤمنین یا خلیفه اول؟ عده‌ای از

صحابه طرح ترور پیامبر(ص) را برنامه ریزی کردند، پس این عقیده که صحابه عادل هستند باطل است. منافقینی که حاضر به کشتن پیامبر(ص) می شدند، بسیار راحت تر کشتن ذریه پیامبر(ص) را انجام می دهند. بارها خلیفه دوم در ایام حکومتش از خلیفه سوال می کرد: آیا من در بین آن چهارده نفر بوده ام؟ خلیفه می گفت: اگر بوده ای که خود بهتر می دانی و اگر نبوده ای باز خود بهتر می دانی.

9-1. حدیث کساء

حضرت زهرا (س) می فرمایند روزی پدرم بر من وارد شد و فرمود: احساس ضعف می کنم. برایم کسایی بیآور. آوردم و ایشان خود را پوشانند در حالی که صورتشان می درخشید. اندکی که گذشت فرزندم حسن آمد و سوال کرد: بوی خوشی به مشام می رسد گفتم: بله بوی جد توست. و او رفت و به پیامبر (ص) سلام کرد و کنار ایشان زیر کساء قرار گرفت. سپس فرزندم حسین (ع) آمد و به همان ترتیب او نیز کنار جد خود قرار گرفت. سپس امیرالمؤمنین (ع) آمدند و او نیز به زیر کساء رفت. من نیز اجازه گرفته و کنار آنها زیر کساء نشستم و پیامبر (ص) دو طرف کساء را گرفت و به سمت آسمان اشاره کرد و فرمود: (این ها اهل بیت من هستند، گوشت و خون آن ها گوشت و خون من است و...) خداوند فرمود ای ملانکه من ماسوی الله را نیافریدم مگر به خاطر محبت این پنج نفر. جبرئیل فرمود: آنها چه کسانی هستند؟ خداوند فرمود: ((هم فاطمة و ابوها و بعلها و بنوها)) جبرئیل اجازه گرفت و وارد کساء شد و گفت: خداوند می فرماید: ((إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا)). و فرمودند هرکس این داستان را در محفلی بیان کند خداوند رحمت و غفران خود را نازل می کند و اگر صاحب غمی در آنجا باشد غم او را برطرف می کند و حاجات او را می دهد. استدلال به این این حدیث برای اثبات مبانی خطبه غدیر و حقایق عقائد شیعه است. شیعه و سنی نقل کرده اند که بعضی از زنان پیامبر مانند ام سلمه بعد از این قضیه پرسید آیا من هم جزء اهل بیت شما هستم؟ پیامبر فرمودند: تو بر خیر هستی اما جزء اهل بیت و آیه تطهیر نیستی. این که خداوند می گوید آسمان و زمین را در محبت اهل بیت خلق کرده ام نشان می دهد که خلقت اهل بیت قبل از خلقت آسمان و زمین بوده است. بعد از حدیث کساء اگر کسی دعا کند دعایش مستجاب می شود و دلیل بر آن است که اهل بیت را واسطه قرار می دهد. این که پیامبر (ص) فرمودند: گوشت آنها از گوشت من و خون آنها از خون من است، در مورد حضرت زهرا و امام حسن و امام حسین (ع) واضح است و در مورد امیرالمؤمنین (ع) نیز به وسیله آیه مباهله، کلمه ((انفسنا)) فهمیده می شود و نیز به وسیله روایت ((أنا و علی من شجرة واحدة)). وجود اهل بیت آن قدر با برکت است که ذکر خبر یک داستان از زندگی آنها باعث نزول رحمت و مغفرت می شود.

10-1. حماسه جاوید غدیر

هنگام برگشت از حجة الوداع خداوند به پیامبر خویش فرمود: (ای رسول ما امر ولایت امیرالمؤمنین (ع) را که بر تو نازل شده به مردم ابلاغ کن که اگر این کار را نکنی رسالتت را ابلاغ نکرده ای، و خداوند تو را از شر مردم حفظ می کند. جمله (وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ) نشان می دهد که عده ای بسیار پر نفوذ و قوی در بین مسلمانان نفوذ کرده بودند که پیامبر نیز احتمال قوی می دهد که آنان مانع رسالت شوند. پیامبر (ص) مردم را در کنار برکه غدیر فرا می خوانند سلمان و مقداد و ابوذر و عمار محیط را آماده می کنند، منبری آماده شده و پیامبر(ص) خطبه غدیریه را ایراد می کنند. در بین خطبه از مردم بر ولایت امیرالمؤمنین اقرار می گیرند و سپس

اهل بيت تا امام زمان را معرفي مي‌کنند و مدت سه روز مردم با حضرت علي (ع) به عنوان اميرالمؤمنين بيعت مي‌کنند. و سپس خداوند اين آيه را نازل کرد (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ بَيْنًا) استدلال بر حقايق عقايد شيعه با استفاده از آيات و روايات غدير است. جمله (وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ) وجود منافقين و قدرت تاثير گذار آنان در بين مردم را ثابت مي‌کند. پس عده‌اي از صحابه جزء منافقين هستند. خداوند از ديني که با ولايت اميرالمؤمنين کامل و تمام شده باشد راضي است يعني دين بدون ولايت مورد غضب الهي است و خداوند از آن راضي نيست. اگر پيامبر (ص) تبليغ امامت نکند رسالت خود را انجام نداده است و اگر کسي امامت حضرت علي (ع) را نپذيرد رسالت پيامبر اکرم را نپذيرفته است. پيامبر در غدير فرمودند: هرکس که من مولاي او هستم علي (ع) مولاي اوست و چون پيامبر اکرم مولاي جن و انس و ملائکه مقرب هستند، اميرالمؤمنين هم مولاي همه هستند. واقعه غدير نشان داد که امامت انتصابي است نه انتخابي و الهي است نه بشري.

2. باز خوانی حماسه غدير خم به روايت خطبه غدير

2-1 آشنائي با خطبه غدير

رسول الله (ص) در روز غدير خطبه مفصلي ايراد کردند و در ابتدا از خداشناسي و معارف توحيدى سخن راندند و سپس حمد الهي را به جاي آوردند و به بحث از جانشيني بعد از خود مي‌پردازند و مي‌فرمايند: من مي‌خواهم امر خدا را اطاعت کنم که اگر ابلاغ نکنم مرا عذاب خواهد کرد و سپس فرمودند: در اين مکان به همه اعلام مي‌کنم که علي بن ابی طالب برادر من و خليفه من و امام بعد از من هستند و مکان او نزد من مانند هارون نزد موسي است با اين تفاوت که بعد از من پيامبري نخواهد بود. اي مردم خداوند حضرت علي را مولا و امام شما قرار داد و اطاعت او را بر همه واجب کرد اي مردم از علي روي بر مگردانيد و از ولايتش سرپيچي نکنيد او اولين کسي است که ايمان آورد و جانش را فدای رسول خدا کرد و بعد از من امام شماست. اي مردم کسي که در نبوت من شک کند کافر است (خليفه دوم در جريان صلح حدیبیه به پيامبر خطاب کرد من در رسالت تو شک دارم) و اگر کسي به رهبري حضرت علي شک کند در همه کلام من شک کرده و او اهل آتش است. جانشيني علي هديه خدا به من بود پس از من بهترين انسانهاست و به وسيله ما خداوند روزي را بر مردم نازل مي‌کند. حضرت علي و اولاد معصومش از قرآن جدا نمي‌شوند و بدانيد لقب اميرالمؤمنين براي غير از او حلال نيست. سپس دست حضرت علي (ع) را بلند کرده و فرمودند: اي مردم اين علي برادر من وصي و خليفه من در امت است و به امر خدا با ناکثين و مارقين و قاسطين قتال خواهد کرد. خدايا ولي کسي باش که علي ولي اوست. اگر کسي علي و اولاد او را امام خود نداند تمام اعمال نيكش از بين خواهد رفت و خالد در جهنم خواهد بود. اي مردم من امر امامت را تا روز قيامت در نسل خود به صورت وراثت قرار دادم. پس پيام مرا حاضران به غايبان و پدران براي فرزندان و نسل به نسل تا روز قيامت برسانند. اي مردم بدانيد خاتم انمه حضرت مهدي است که قيام خواهد کرد و از ظالمين انتقام خواهد گرفت. او وارث تمام علوم است و خداوند کارها را بوسيله او برتري داده است. سپس حضرت حلال و حرام و حج و عمره و نماز و روزه را بيان فرمودند. و فرمودند به من امر شده است که از شما براي حضرت علي (ع) و انمه بعد از حضرت علي (ع) از جمله حضرت مهدي در اين مکان بيعت بگيرم. اي مردم با علي و حسن و حسين و انمه (ع) بيعت کنيد. تقدير خداوند بر آن قرار گرفت که پس از 25 سال خانه نشيني حضرت علي (ع) با کشته شدن عثمان در روز غدير، مردم به گرد خانه حضرت جمع شوند و با اصرار فراوان از ايشان

بخوانند تا خلافت را بر عهده گیرند. در روایت عید غدیر به عنوان ((عید الله الاکبر)) یعنی بزرگترین عید خدا معرفی شده است. و در روایات هست که تمام انبیاء در 18 ذی الحجه وصی خود را معرفی می کردند و انتخاب این تاریخ یک امر الهی است. پس عید غدیر یک عید اسلامی نیست بلکه یک عید جهانی و عید ادیان است و همه باید آن را جشن بگیرند. از اعمالی که باید در عید غدیر احیا شود نماز عید غدیر است و شایسته است همانگونه که مومنین نماز عید فطر و قربان را به جا می آورند نماز عید غدیر را اقامه کنند. با اینکه اکثر مسلمانان بیعت غدیر را زیر پا گذاشتند و از تبعیت امیر مومنان خودداری کردند 25 سال بعد مجدداً در همین روز خاضعانه با آن حضرت بیعت کردند. اگر عید غدیر نزد خدا و اهل بیت برترین اعیاد است مسلمانان نیز موظف هستند عید غدیر را با شکوه تر از همه اعیاد برگزار کنند. چون قرآن و اهل بیت از هم جدا نمی شوند پس عید غدیر عید قرآن هم هست و ماه مبارک رمضان بهار ولایت نیز هست. پیامبر در خطبه غدیر مکرراً از دشمنان حضرت علی (ع) بیزاری جسته و آنها را مستحق لعن دانستند ما نیز باید این روز را روز اعلام برائت بشماریم و تولی و تبری را در آن با هم نهادینه کنیم.

خطبه غدیر:

بخش اول خطبه غدیر: حمد و ثنای الهی

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَلَا فِي تَوْحِيدِهِ وَ دَنَا فِي تَفَرُّدِهِ وَ جَلَّ فِي سُلْطَانِهِ وَ عَظَّمَ فِي أَرْكَانِهِ، وَ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا وَ هُوَ فِي مَكَانِهِ وَ قَهَرَ جَمِيعَ الْخَلْقِ بِقُدْرَتِهِ وَ بَرَّاهَانِهِ، حَمِيدًا لَمْ يَزَلْ، مَحْمُودًا لَا يَزَالُ (وَ مَجِيدًا لَا يَزُولُ، وَ مُبْدِنًا وَ مُعِيدًا وَ كُلُّ أَمْرٍ إِلَيْهِ يَعُودُ). بَارِئُ الْمَسْمُوكَاتِ وَ دَاحِي الْمَذْحُوتَاتِ وَ جَبَّارُ الْأَرْضِينَ وَ السَّمَاوَاتِ، قُدُّوسٌ سُبُّوحٌ، رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ، مُتَقَضِّلٌ عَلَى جَمِيعٍ مِّنْ بَرَأءِهِ، مُتَطَوِّلٌ عَلَى جَمِيعٍ مِّنْ أَنْشَاءهِ. يَلْحَظُ كُلَّ عَيْنٍ وَ الْغَيْبُونَ لِأَنَّهُ.

ستایش خدای را سزاست که در یگانگی اش بلند مرتبه و در تنهایی اش به آفریدگان نزدیک است؛ سلطنتش پر جلال و در ارکان آفرینش اش بزرگ است. بی آنکه مکان گیرد و جابه جا شود، بر همه چیز احاطه دارد و بر تمامی آفریدگان به قدرت و برهان خود چیره است.

همواره ستوده بوده و خواهد بود و مجد و بزرگی او را پایانی نیست. آغاز و انجام از او و برگشت تمامی امور به سوی اوست.

اوست آفریننده آسمان ها و گستراننده زمین ها و حکمران آن ها. دور و منزه از خصایص آفریده هاست و در منزه بودن خود نیز از تقدیس همگان برتر است. هموست پروردگار فرشتگان و روح؛ افزونی بخش آفریده ها و نعمت ده ایجاد شده هاست. به یک نیم نگاه دیده ها را ببیند و دیده ها هرگز او را نبینند.

كَرِيمٌ حَلِيمٌ ذُو أَنْتَاتٍ، قَدْ وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَتُهُ وَ مَنَّ عَلَيْهِمْ بِنِعْمَتِهِ. لَا يَعْجَلُ بِإِنْتِقَامِهِ، وَلَا يُبَادِرُ إِلَيْهِمْ بِمَا اسْتَحَقُّوا مِنْ عَذَابِهِ. قَدْ ذَفَّهِمُ السَّرَائِرَ وَ عَلِمَ الضَّمَائِرَ، وَ لَمْ تَخَفْ عَلَيْهِ الْمَكْنُونَاتُ وَلَا اسْتَتَبَهَتْ عَلَيْهِ الْخَفِيَّاتُ. لَهُ الْإِحْاطَةُ بِكُلِّ شَيْءٍ، وَ الْعَلْبَةُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَ الْقُدْرَةُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَ لَيْسَ مِثْلُهُ شَيْءٌ. وَ هُوَ مُنْشِئُ الشَّيْءِ حِينَ لَا شَيْءَ دَانِمٌ حَى وَ قَانِمٌ بِالْقَسْطِ، لَا إِلَاهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ.

جَلَّ عَنْ أَنْ تُدْرِكَهُ الْأَبْصَارُ وَ هُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَ هُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ. لَا يَلْحَقُ أَحَدٌ وَصْفَهُ مِنْ مُعَايِنَةٍ، وَلَا يَجِدُ أَحَدٌ كَيْفَ هُوَ مِنْ سِرِّهِ وَ عَلَانِيَةٍ إِلَّا بِمَادَلِّ عَزَّوَجَلَّ عَلَى نَفْسِهِ.

کریم و بردبار و شکیباست. رحمت اش جهان شمول و عطایش منت گذار. در انتقام بی شتاب و در کيفر سزاواران عذاب، صبور و شکیباست. بر نهان ها آگاه و بر درون ها دانایا. پوشیده ها بر او آشکار و پنهان ها بر او روشن است. او راست فراگیری و چیرگی بر هر هستی. نیروی آفریدگان از او و توانایی بر هر پدیده ویژه اوست. او را همانندی نیست و هموست ایجادگر هر موجود در تاریکستان لاشیء. جاودانه و زنده و عدل گستر. جز او خداوندی نباشد و اوست ارجمند و حکیم.

دیده ها را بر او راهی نیست و اوست دریابنده دیده ها. بر پنهانی ها آگاه و بر کارها داناست. کسی از دیدن به وصف او نرسد و بر چگونگی او از نهان و آشکار دست نیابد مگر، او - عَزَّوَجَلَّ - خود، راه نماید و بشناساند.

وَأَشْهَدُ أَنَّهُ اللَّهُ الَّذِي مَلَأَ الدَّهْرَ قُدْسَهُ، وَالَّذِي يَغْشَى الْأَبَدَ نُورَهُ، وَالَّذِي يُنْفِذُ أَمْرَهُ بِلَا مَشَاوَرَةَ مُشِيرٍ وَلَا مَعَهُ شَرِيكَ فِي تَقْدِيرِهِ وَلَا يُعَاوَنُ فِي تَدْبِيرِهِ. صَوَّرَ مَا ابْتَدَعَ عَلَى غَيْرِ مِثَالٍ، وَ خَلَقَ مَا خَلَقَ بِلَا مَعُونَةٍ مِنْ أَحَدٍ وَلَا تَكْلُفٍ وَلَا اِحْتِيَالٍ. أَنْشَأَهَا فَكَانَتْ وَ بَرَأَهَا فَبَاتَتْ.

فَهُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمُتَّقِنُ الصَّنِيعَةَ، الْحَسَنُ الصَّنِيعَةَ، الْعَدْلُ الَّذِي لَا يُجُورُ، وَالْأَكْرَمُ الَّذِي تَرْجِعُ إِلَيْهِ الْأُمُورُ.

وَأَشْهَدُ أَنَّهُ اللَّهُ الَّذِي تَوَاضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِعَظَمَتِهِ، وَذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لِعِزَّتِهِ، وَاسْتَسَلَّمَ كُلُّ شَيْءٍ لِقُدْرَتِهِ، وَخَضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِهَيْبَتِهِ. مَلِكُ الْأَمْلاَكِ وَ مَفْلِكُ الْأَفْلاَكِ وَ مُسَخَّرُ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ، كُلُّ يَجْرِي لِاجْتِلايِ مُسَمًى. يُكْوِرُ اللَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ وَيُكْوِرُ النَّهَارَ عَلَى اللَّيْلِ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا. قَاصِمٌ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَ مُهْلِكٌ كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ.

و گواهی می دهم که او «الله» است. همو که تنزهش سراسر روزگاران را فراگیر و نورش ابدیت را شامل است. بی مشاور، فرمانش را اجرا، بی شریک تقدیرش را امضا و بی یاور سامان دهی فرماید. صورت آفرینش او را الگویی نبوده و آفریدگان را بدون یاور و رنج و چاره جویی، هستی بخشیده است. جهان با ایجاد او موجود و با آفرینش او پدیدار شده است.

پس اوست «الله» که معبودی به جز او نیست. همو که صننعت استوار است و ساختمان آفرینشش زیبا. دادگری است که ستم روا نمی دارد و کریمی که کارهایی او بازمی گردد.

و گواهی می دهم که او «الله» است که آفریدگان در برابر بزرگی اش فروتن و در مقابل عزتش رام و به توانایی اش تسلیم و به هیبت و بزرگی اش فروتن اند. پادشاه هستی ها و چرخاننده سپهرها و رام کننده آفتاب و ماه که هر یک تا اجل معین جریان یابند. او پردی شب را به روز و پردی روز را - که شتابان در پی شب است - به شب پیچد. اوست شکنندی هر ستمگر سرکش و نابودکنندی هر شیطان رانده شده.

لَمْ يَكُنْ لَهُ صِدٌّ وَلَا مَعَهُ نِدٌّ أَحَدٌ صَمَدٌ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفْوًا أَحَدٌ. إِلَهٌ وَاحِدٌ وَ رَبٌّ مَاجِدٌ يَشَاءُ فَيَقْضِي، وَيُرِيدُ فَيَقْضِي، وَيَعْلَمُ فَيُخْصِي، وَيَمِيتُ وَيُحْيِي، وَيُفْقِرُ وَيُغْنِي، وَيُضْحِكُ وَيُبْكِي، (وَيُدْنِي وَيُقْضِي) وَيَمْنَعُ وَيُعْطِي، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْعَفَاظُ. مُسْتَجِيبُ الدُّعَاءِ وَمَجْزِلُ الْعَطَاءِ، مُخْصِي الْأَنْفَاسِ وَ رَبُّ الْجَنَّةِ وَالنَّاسِ، الَّذِي لَا يُشْنَكِلُ عَلَيْهِ شَيْءٌ، وَ لَا يُضْجِرُهُ صُرَاخُ الْمُسْتَضْرِحِينَ وَلَا يَبْرُمُهُ إِحْسَاحُ الْمُلْحِنِينَ.

الْعَاصِمُ لِلصَّالِحِينَ، وَالْمَوْفِقُ لِلْمُفْلِحِينَ، وَ مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ وَرَبُّ الْعَالَمِينَ. الَّذِي اسْتَحَقَّ مِنْ كُلِّ مَنْ خَلَقَ أَنْ يَشْكُرَهُ وَيَحْمَدَهُ (عَلَى كُلِّ حَالٍ)

نه او را ناسازی باشد و نه برایش انباز و مانندی. یکتا و بی نیاز، نه زاده و نه زاییده شده، او را همتایی نبوده، خداوند یگانه و پروردگار بزرگوار است. بخواهد و به انجام رساند. اراده کند و حکم نماید. بداند و بشمارد. بمیراند و زنده کند. نیازمند و بی نیاز گرداند. بخنداند و بگریاند. نزدیک آورد و دور برد. بازدارد و عطا کند. او راست پادشاهی و ستایش. به دست توانی اوست تمام نیکی. و هموست بر هر چیز توانا.

شب را در روز و روز را در شب فرو برد. معبودی جز او نیست؛ گران مایه و آمرزنده؛ اجابت کننده دعا و افزایش عطا، بر شمارندی نفس ها؛ پروردگار پری و انسان. چیزی بر او مشکل ننماید، فریاد فریادکنندگان او را آزرده نکند و اصرار اصرارکنندگان او را به ستوه نیاورد.

نیکوکاران را نگاهدار، رستگاران را یار، مؤمنان را صاحب اختیار و جهانیان را پروردگار است؛ آن که در همه احوال سزاوار سپاس و ستایش آفریدگان است.

أَحْمَدُهُ كَثِيرًا وَأَشْكُرُهُ دَائِمًا عَلَى السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالشَّدَّةِ وَالرَّخَاءِ، وَأُؤْمِنُ بِهِ وَبِمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ. أَسْمَعُ لِأَمْرِهِ وَأَطِيعُ وَأَبِئُ إِلَى كُلِّ مَا يَرْضَاهُ وَأَسْتَسْلِمُ لِمَاقِضَاهُ، رَغْبَةً فِي طَاعَتِهِ وَخَوْفًا مِنْ عِقَابِهِ، لِإِنَّهُ اللَّهُ الَّذِي لَا يُؤْمَنُ مَكْرَهُ وَلَا يَخَافُ جَوْرَهُ.

او را ستایش فراوان و سپاس جاودانه می گویم بر شادی و رنج و بر آسایش و سختی و به او و فرشتگان و نبشته ها و فرستاده هایش ایمان داشته، فرمان او را گردن می گذارم و اطاعت می کنم؛ و به سوی خشنودی او می شتابم و به حکم او تسلیمم؛ چرا که به فرمانبری او شائق و از کیفر او ترسانم. زیرا او خدایی است که کسی از مکرش در امان نبوده و از بی عدالتی ترسان نباشد (زیرا او را ستمی نیست).

بخش دوم خطبه غدیر: فرمان الهی برای مطلبی مهم

وَأَقْرَأَهُ عَلَى نَفْسِي بِالْعِبُودِيَّةِ وَأَشْهَدُ لَهُ بِالرَّبُوبِيَّةِ، وَأُؤَدِّي مَا أَوْحَى بِهِ إِلَيَّ حَذَرًا مِنْ أَنْ لَا أَفْعَلَ فِتْحَلَّ بِي مِنْهُ قَارِعَةٌ لَا يَدْفَعُهَا عَنِّي أَحَدٌ وَإِنْ عَظُمَتْ حَيْلَتُهُ وَصَفَتْ خُلَّتُهُ

-لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ - لِإِنَّهُ قَدْ عَلِمَنِي أَنِّي إِنْ لَمْ أُبَلِّغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيَّ (فِي حَقِّ عَلِيٍّ) فَمَا بَلَّغْتُ رِسَالَتَهُ، وَقَدْ ضَمِنَ لِي تَبَارَكَ وَتَعَالَى الْعِصْمَةَ (مِنَ النَّاسِ) وَهُوَ اللَّهُ الْكَافِي الْكَرِيمُ.

و اکنون به عبودیت خویش و پروردگاری او گواهی می دهم. و وظیفه خود را در آن چه وحی شده انجام می دهم مباد که از سوی او عذابی فرود آید که کسی یاری دورساختن آن از من نباشد. هر چند توانش بسیار و دوستی اش (با من) خالص باشد.

معبودی جز او نیست - چرا که اعلام فرموده که اگر آن چه (درباره ی علی) نازل کرده به مردم نرسانم، وظیفه رسالتش را انجام نداده ام؛ و خداوند تبارک و تعالی امنیت از [آزار] مردم را برام تضمین کرده و البته که او بسنده و بخشنده است.

فَأَوْحَى إِلَيَّ: (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ - فِي عَلِيٍّ يَعْني فِي الْخِلاَفَةِ لِعليِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ - وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ).

معاشر الناس، ما قَصَّرْتُ فِي تَبْلِيغِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى إِلَيَّ، وَ أَنَا أُبَيِّنُ لَكُمْ سَبَبَ هَذِهِ الْآيَةِ: إِنَّ جِبْرِيْلَ هَبَطَ إِلَيَّ مِراراً ثَلَاثاً يَأْمُرُنِي عَنِ السَّلَامِ رَبِّي - وَ هُوَ السَّلَامُ - أَنْ أَقُومَ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ فَأَعْلَمُ

كُلَّ أَبْيَضٍ وَأَسْوَدٍ: أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ أَحْسَى وَ وَصِيَّ وَ خَلِيفَتِي (عَلَى أُمَّتِي) وَالْإِمَامُ مِنْ بَعْدِي،
الَّذِي مَحَلُّهُ مِنِّي مَحَلُّ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا تَبِيَّ بَعْدِي وَهُوَ وَلِيُّكُمْ بَعْدَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ.

وَقَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَلَيَّ بِذَلِكَ آيَةً مِنْ كِتَابِهِ (هِيَ): (إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَالَّذِينَ
آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ)، وَ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ الَّذِي أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ
آتَى الزَّكَاةَ وَهُوَ رَاكِعٌ يُرِيدُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي كُلِّ حَالٍ.

پس آنگاه خداوند چنین وحی ام فرستاد: «به نام خداوند همه مهر مهرورز. ای فرستادی ما! آن
چه از سوی پروردگارت درباری علی و خلافت او بر تو فرود آمده بر مردم ابلاغ کن، وگرنه
رسالت خداوندی را به انجام نرسانده ای؛ و او تو را از آسیب مردمان نگاه می دارد.»

هان مردمان! آنچه بر من فرود آمده، در تبلیغ آن کوتاهی نکرده ام و حال برایتان سبب نزول آیه
را بیان می کنم: همانا جبرئیل سه مرتبه بر من فرود آمد از سوی سلام، پروردگارم - که تنها او
سلام است - فرمانی آورد که در این مکان به پا خیزم و به هر سفید و سیاهی اعلام کنم که علی
بن ابی طالب برادر، وصی و جانشین من در میان امت و امام پس از من بوده. جایگاه او نسبت
به من به سان هارون نسبت به موسی است، لیکن پیامبری پس از من نخواهد بود او (علی)،
صاحب اختیارتان پس از خدا و رسول است؛

و پروردگارم آیه ای بر من نازل فرموده که: «همانا ولی، صاحب اختیار و سرپرست شما، خدا و
پیامبر او و ایمانی هستند که نماز به پا می دارند و در حال رکوع زکات می پردازند.» و هر
آینه علی بن ابی طالب نماز به پا داشته و در رکوع زکات پرداخته و پیوسته خداخواه است.

وَسَأَلْتُ جِبْرِيْلَ أَنْ يَسْتَعْفِيَ لِي (السَّلَامَ) عَنْ تَبْلِيغِ ذَلِكَ إِلَيْكُمْ - أَيُّهَا النَّاسُ - لِعِلْمِي بِقَلْبِ الْمُتَّقِينَ
وَكَثْرَةِ الْمُنَافِقِينَ وَإِدْعَالِ اللَّامِنِينَ وَ جِيلِ الْمُسْتَهْزِئِينَ بِالْإِسْلَامِ، الَّذِينَ وَصَفَهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ بِأَنَّهُمْ
يَقُولُونَ بِالسُّنَنِ مَالِيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ، وَيَحْسَبُوْنَهُ هَيْبًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيْمٌ.

وَكَثْرَةَ آدَاهُمْ لِي غَيْرَ مَرَّةٍ حَتَّى سَمَوْنِي أَدْنَا وَ زَعَمُوا أَنِّي كَذَلِكَ لِكَثْرَةِ مُلَازِمَتِهِ إِيَّيْ وَ إِقْبَالِي عَلَيْهِ
(وَ هَوَاهُ وَ قَبُولِهِ مِنِّي) حَتَّى أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي ذَلِكَ (وَ مِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَ يَقُولُونَ هُوَ
أَدْنُ، قُلْ أَدْنُ - (عَلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُ أَدْنُ) - خَيْرٌ لَكُمْ، يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ يُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ) الْآيَةَ.

و من از جبرئیل درخواستم که از خداوند سلام اجازه کند و مرا از این مأموریت معاف فرماید.
زیرا کمی پرهیزگاران و فزونی منافقان و دسیسی ملامت گران و مکر مسخره کنندگان اسلام را
می دانم؛ همانان که خداوند در کتاب خود در وصفشان فرموده: «به زبان آن را می گویند که در
دل هایشان نیست و آن را اندک و آسان می شمارند حال آن که نزد خداوند بس بزرگ است.»

و نیز از آن روی که منافقان بارها مرا آزار رسانیده تا بدانجا که مرا اَدْنُ [سخن شنو و زودباور
]نامیده اند، به خاطر همراهی افزون علی با من و رویکرد من به او و تمایل و پذیرش او از
من، تا بدانجا که خداوند در این موضوع آیه ای فرو فرستاده: «و از آنانند کسانی که پیامبر خدا
را می آزارند و می گویند: او سخن شنو و زودباور است. بگو: آری سخن شنو است. - بر علیه
آنان که گمان می کنند او تنها سخن می شنود - لیکن به خیر شماست، او (پیامبر صلی الله علیه
و آله) به خدا ایمان دارد و مؤمنان را تصدیق می کند و راستگو می انگارد.»

وَلَوْ شِئْتُ أَنْ أَسْمِيَ الْقَاتِلِينَ بِذَلِكَ بِأَسْمَانِهِمْ لَسَمَّيْتُ وَأَنْ أَوْمِي إِلَيْهِمْ بِأَعْيَانِهِمْ لَأَوْمَأْتُ وَأَنْ أَدُلَّ
عَلَيْهِمْ لَدَلَّيْتُ، وَلَكِنِّي وَاللَّهِ فِي أَمْرِهِمْ قَدْ تَكَرَّمْتُ. وَكُلُّ ذَلِكَ لَا يَرْضَى اللَّهُ مِنِّي إِلَّا أَنْ أَبْلَغَ مَا أَنْزَلَ
اللَّهُ إِلَيَّ (فِي حَقِّ عَلِيٍّ)، ثُمَّ تَلَا: (يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ - فِي حَقِّ عَلِيٍّ - وَ أَنْ
لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ).

و اگر می خواستم نام گویندگان چنین سخنی را بر زبان آورم و یا به آنان اشارت کنم و یا مردمان را به سویشان هدایت کنم [که آنان را شناسایی کنند] می توانستم. لیکن سوگند به خدا در کارشان کرامت نموده لب فروبستم. با این حال خداوند از من خشنود نخواهد گشت مگر این که آن چه در حق علی عیه السلام فرو فرستاده به گوش شما برسانم. سپس پیامبر صلی الله علیه و آله چنین خواند: «ی پیامبر ما! آن چه از سوی پروردگارت بر تو نازل شده - در حق علی - ابلاغ کن؛ وگرنه کار رسالتش را انجام نداده ای. و البته خداوند تو را از آسیب مردمان نگاه می دارد.»

بخش سوم خطبه غدیر: اعلان رسمی ولایت و امامت دوازده امام علیهم السلام

فَاعْلَمُوا مَعَاشِرَ النَّاسِ (ذَالِكَ فِيهِ وَأَفْهَمُوهُ وَاعْلَمُوا) أَنَّ اللَّهَ قَدْ نَصَبَهُ لَكُمْ وَلِيًّا وَإِمَامًا فَرَضَ طَاعَتَهُ عَلَى الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَعَلَى التَّابِعِينَ لَهُمْ بِإِحْسَانٍ، وَعَلَى الْأَبَادِي وَالْحَاضِرِينَ، وَعَلَى الْعَجَمِيِّ وَالْعَرَبِيِّ، وَالْحُرِّ وَالْمَمْلُوكِ وَالصَّغِيرِ وَالْكَبِيرِ، وَعَلَى الْأَبْيَضِ وَالْأَسْوَدِ، وَعَلَى كُلِّ مُؤَجَّدٍ.

مَاضٍ حُكْمُهُ، جَازٍ قَوْلُهُ، نَافِذٌ أَمْرُهُ، مَلْعُونٌ مَنْ خَالَفَهُ، مَرْحُومٌ مَنْ تَبِعَهُ وَصَدَّقَهُ، فَقَدْ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَلِمَنْ سَمِعَ مِنْهُ وَأَطَاعَ لَهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُ آخِرُ مَقَامِ أَقْوَمِهِ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ، فَاسْمَعُوا وَأَطِيعُوا وَأَنْقَادُوا لِامْرِئِ اللَّهِ رَبِّكُمْ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ هُوَ مَوْلَاكُمْ وَالْإِلَهُكُمْ، ثُمَّ مِنْ دُونِهِ رَسُولُهُ وَنَبِيُّهُ الُمُخَاطَبُ لَكُمْ، ثُمَّ مِنْ بَعْدِي عَلَى وَلِيِّكُمْ وَإِمَامِكُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ رَبِّكُمْ، ثُمَّ الْإِمَامَةُ فِي ذُرِّيَّتِي مِنْ وُلْدِهِ إِلَى يَوْمِ تَلْقَوْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ.

هان مردمان! بدانید این آیه درباری اوست. ژرفی آن را فهم کنید و بدانید که خداوند او را برایتان صاحب اختیار و امام قرار داده، پیروی او را بر مهاجران و انصار و آنان که به نیکی از ایشان پیروی می کنند و بر صحرانشینان و شهروندان و بر عجم و عرب و آزاد و برده و بر کوچک و بزرگ و سفید و سیاه و بر هر یکتاپرست لازم شمرده است.

[هشدار که] اجرای فرمان و گفتار او لازم و امرش نافذ است. ناسازگارش رانده، پیرو و باورکننده اش در مهر و شفقت است. هر آینه خداوند، او و شنوایان سخن او و پیروان راهش را آمرزیده است.

هان مردمان! آخرین بار است که در این اجتماع به پا ایستاده ام. پس بشنوید و فرمان حق را گردن گذارید؛ چرا که خداوند عزوجل صاحب اختیار و ولی و معبود شماست؛ و پس از خداوند ولی شما، فرستاده و پیامبر اوست که اکنون در برابر شماست و با شما سخن می گوید. و پس از من به فرمان پروردگار، علی ولی و صاحب اختیار و امام شماست. آن گاه امامت در فرزندان من از نسل علی خواهد بود. این قانون تا برپایی رستاخیز که خدا و رسول او را دیدار کنید دوام دارد.

لَا حِلَّ إِلَّا مَا أَحَلَّهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَهُمْ، وَلَا حَرَامَ إِلَّا مَا حَرَّمَ اللَّهُ (عَلَيْكُمْ) وَرَسُولُهُ وَهُمْ، وَاللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَرَفَنِي الْحَلَالَ وَالْحَرَامَ وَأَنَا أَفْضَيْتُ بِمَا عَلَّمَنِي رَبِّي مِنْ كِتَابِهِ وَحَلَالِهِ وَحَرَامِهِ إِلَيْهِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، عَلَى (فَضْلُوهُ). مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَقَدْ أَحْصَاهُ اللَّهُ فِي، وَكُلُّ عِلْمٍ عَلِمْتُ فَقَدْ أَحْصَيْتُهُ فِي إِمَامِ الْمُتَّقِينَ، وَمَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَقَدْ عَلَّمْتُهُ عَلِيًّا، وَهُوَ الْإِمَامُ الْمُبِينُ (الَّذِي ذَكَرَهُ اللَّهُ فِي سُورَةِ يَس: (وَ كُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْتَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ)

مَعَاشِرَ النَّاسِ، لَا تَضِلُّوا عَنْهُ وَلَا تَنْفِرُوا مِنْهُ، وَلَا تَسْتَتَكِفُوا عَنْ وِلَايَتِهِ، فَهُوَ الَّذِي يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَيَعْمَلُ بِهِ، وَيُزْهِقُ الْبَاطِلَ وَيُنْهِي عَنْهُ، وَلَا تَأْخُذْهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ. أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ (لَمْ

يَسْبِقُهُ إِلَى الْإِيمَانِ بِي أَحَدٌ)، وَالَّذِي فَدَى رَسُولَ اللَّهِ بِنَفْسِهِ، وَالَّذِي كَانَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ وَلَا أَحَدٌ يَعْبُدُ اللَّهَ مَعَ رَسُولِهِ مِنَ الرِّجَالِ غَيْرُهُ.

(أَوَّلُ النَّاسِ صَلَاةً وَ أَوَّلُ مَنْ عَبَدَ اللَّهَ مَعِيَ. أَمَرْتُهُ عَنِ اللَّهِ أَنْ يَتِمَّ فِي مَضْجَعِي، فَفَعَلَ فَادِيًا لِي بِنَفْسِهِ)

روا نیست، مگر آن چه خدا و رسول او و امامان روا دانند؛ و ناروا نیست مگر آن چه آنان ناروا دانند. خداوند عزوجل، هم روا و هم ناروا را برای من بیان فرموده و آن چه پروردگارم از کتاب خویش و حلال و حرامش به من آموخته در اختیار علی نهاده ام.

هان مردمان! او را برتر بدانید. چرا که هیچ دانشی نیست مگر اینکه خداوند آن را در جان من نبشته و من نیز آن را در جان پیشوای پرهیزکاران، علی، ضبط کرده ام. او (علی) پیشوای روشنگر است که خداوند او را در سوری یاسین یاد کرده که: «و دانش هر چیز را در امام روشنگر برشمرده ایم..»

هان مردمان! از علی رو برنتابید. و از امامتش نگریزید. و از سرپرستی اش رو برنگردانید. او [شما را] به درستی و راستی خوانده و [خود نیز] بدان عمل نماید. او نادرستی را نابود کند و از آن بازدارد. در راه خدا نکوهش نکوهش گران او را از کار باز ندارد. او نخستین مؤمن به خدا و رسول اوست و کسی در ایمان، به او سبقت نجسته. و همو جان خود را فدای رسول الله نموده و با او همراه بوده است تنها اوست که همراه رسول خدا عبادت خداوند می کرد و جز او کسی چنین نبود.

اولین نمازگزار و پرستشگر خدا به همراه من است. از سوی خداوند به او فرمان دادم تا [در شب هجرت] در بستر من بیارامد و او نیز فرمان برده، پذیرفت که جان خود را فدای من کند.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، فَضَلُّوهُ فَقَدْ فَضَلَّهَ اللَّهُ، وَاقْبَلُوهُ فَقَدْ نَصَبَهُ اللَّهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُ إِمَامٌ مِنَ اللَّهِ، وَلَنْ يَتُوبَ اللَّهُ عَلَى أَحَدٍ أَنْكَرَ وَلَا يَتَّهَ وَ لَنْ يَغْفِرَ لَهُ، حَتَّمَا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَفْعَلَ ذَلِكَ بِمَنْ خَالَفَ أَمْرَهُ وَأَنْ يُعَذِّبَهُ عَذَابًا تُكْرَهُ أَبَدًا أَبَدًا وَ دَهْرَ الدُّهُورِ. فَاحْذَرُوا أَنْ تُخَالِفُوهُ. فَتَضَلُّوا نَارًا وَ قَوْدَهَا النَّاسُ وَ الْحِجَارَةُ أَعَدَّتْ لِلْكَافِرِينَ.

هان مردمان! او را برتر دانید، که خداوند او را برگزیده؛ و پیشوایی او را بپذیرید، که خداوند او را برپا کرده است.

هان مردمان! او از سوی خدا امام است و هرگز خداوند توبه منکر او را نپذیرد و او را نیامرزد. این است روش قطعی خداوند درباره ناسازگار علی و هرآینه او را به عذاب دردناک پایدار کیفر کند. از مخالفت او بهراسید و گرنه در آتشی درخواهید شد که آتش گیری آن مردمانند؛ و سنگ، که برای حق ستیزان آماده شده است.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، بِي - وَاللَّهِ - بَشَّرَ الْأَوْلُونَ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ، وَأَنَا - (وَاللَّهِ) - خَاتَمَ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ وَالْحُجَّةَ عَلَى جَمِيعِ الْمَخْلُوقِينَ مِنَ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ. فَمَنْ شَكَّ فِي ذَلِكَ فَقَدْ كَفَرَ كُفْرَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَ مَنْ شَكَّ فِي شَيْءٍ مِنْ قَوْلِي هَذَا فَقَدْ شَكَّ فِي كُلِّ مَا أَنْزَلَ إِلَيَّ، وَمَنْ شَكَّ فِي وَاحِدٍ مِنَ الْأَنْمَةِ فَقَدْ شَكَّ فِي الْكُلِّ مِنْهُمْ، وَ الشَّاكُّ فِينَا فِي النَّارِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، حَبَانِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهَذِهِ الْفَضِيلَةِ مِنْهُ عَلَيَّ وَ إِحْسَانًا مِنْهُ إِلَيَّ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، أَلَا لَهُ الْحَمْدُ مِنِّي أَبَدَ الْأَبَدِينَ وَ دَهْرَ الدَّاهِرِينَ وَ عَلَى كُلِّ حَالٍ.

هان مردمان! به خدا سوگند که پیامبران پیشین به ظهورم مژده داده اند و اکنون من فرجام پیامبران و برهان بر آفریدگان آسمانیان و زمینیانم. آن کس که راستی و درستی مرا باور نکند به کفر جاهلی درآمده و تردید در سخنان امروزم همسنگ تردید در تمامی محتوای رسالت من است، و شک و نابوری در امامت یکی از امامان، به سان شک و نابوری در تمامی آنان است. و هرآینه جایگاه نابوران ما آتش دوزخ خواهد بود.

هان مردمان! خداوند عزوجل از روی منت و احسان خویش این برتری را به من پیشکش کرد و البته که خدایی جز او نیست. آگاه باشید: تمامی ستایش ها در همه روزگاران و در هر حال و مقام ویزی اوست.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، فَضَلُّوا عَلَيَّ فَإِنَّهُ أَفْضَلُ النَّاسِ بَعْدِي مِنْ ذَكَرٍ وَأَنْتَى مَا أَنْزَلَ اللَّهُ الرَّزْقَ وَبَقِيَ الْخَلْقُ.

مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ، مَعْضُوبٌ مَعْضُوبٌ مَنْ رَدَّ عَلَيَّ قَوْلِي هَذَا وَلَمْ يُؤَافِقْهُ.

أَلَا إِنَّ جِبْرِيْلَ خَبَّرَنِي عَنِ اللَّهِ تَعَالَى بِذَلِكَ وَيَقُولُ: «مَنْ عَادَى عَلِيًّا وَلَمْ يَتَوَلَّهُ فَعَلَيْهِ لَعْنَتِي وَغَضَبِي»، (وَأَنْتَظِرُ نَفْسَ مَا قَدِمْتَ لِعَدِي وَأَتَّقُوا اللَّهَ - أَنْ تُخَالِفُوهُ فَتَنْزِلَ قَدَمٌ بَعْدَ ثُبُوتِهَا - إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ).

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُ جُنِبَ اللَّهُ الَّذِي ذَكَرَ فِي كِتَابِهِ الْعَزِيزِ، فَقَالَ تَعَالَى (مُخْبِرًا عَمَّنْ يُخَالِفُهُ): (أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتَا عَلَيَّ مَا فَرَطْتُ فِي جُنْبِ اللَّهِ).

هان مردمان! عل را برتر دانید؛ که او برترین مردمان از مرد و زن پس از من است؛ تا آن هنگام که آفریدگان پایدارند و روزی شان فرود آید.

دور دورباد از درگاه مهر خداوند و خشم خشم باد بر آن که این گفته را نپذیرد و با من سازگار نباشد!

هان! بدانید جبرئیل از سوی خداوند خبرم داد: «هر آن که با علی بستیزد و بر ولایت او گردن نگذارد، نفرین و خشم من بر او باد!» البته بایست که هر کس بنگرد که برای فردای رستخیز خود چه پیش فرستاده. [هان!] تقوا پیشه کنید و از ناسازگاری با علی بپرهیزید. مباد که گام هایتان پس از استواری درلغزد. که خداوند بر کردارتان آگاه است.

هان مردمان! همانا او هم جوار و همسایه خداوند است که در نبشته ی عزیز خود او را یاد کرده و درباری ستیزندگان با او فرموده: «تا آنکه مبادا کسی در روز رستخیز بگوید: افسوس که درباری همجوار و همسایه ی خدا کوتاهی کردم»...

مَعَاشِرَ النَّاسِ، تَدَبَّرُوا الْقُرْآنَ وَ أَفْهَمُوا آيَاتِهِ وَأَنْظَرُوا إِلَى مُحْكَمَاتِهِ وَلَا تَتَّبِعُوا مُتَشَابِهَهُ، فَوَاللَّهِ لَنْ يُبَيِّنَ لَكُمْ زَوَاجِرَهُ وَلَنْ يُوضِحَ لَكُمْ تَفْسِيرَهُ إِلَّا الَّذِي أَنَا آخِذٌ بِيَدِهِ وَمُصْعِدُهُ إِلَى وَشَائِلٌ بَعْضُدهِ (وَ رَافِعُهُ بِيَدِي) وَ مَعْلَمُكُمْ: أَنَّ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ، وَ هُوَ عَلِيٌّ بِنُ أَبِي طَالِبٍ أَخِي وَ وَصِيِّ، وَ مَوْلَاتُهُ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَنْزَلَهَا عَلَيَّ.

هان مردمان! در قرآن اندیشه کنید و ژرفی آیات آن را دریابید و بر محکمتش نظر کنید و از متشابهاتش پیروی ننمایید. پس به خدا سوگند که باطن ها و تفسیر آن را آشکار نمی کند مگر همین که دست و بازوی او را گرفته و بالا آورده ام و اعلام می دارم که: هر آن که من سرپرست اویم، این علی سرپرست اوست. و او علی بن ابی طالب است؛ برادر و وصی من که سرپرستی و ولایت او حکمی است از سوی خدا که بر من فرستاده شده است.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ عَلِيًّا وَالطَّيِّبِينَ مِنْ وُلْدِي (مِنْ صُلْبِهِ) هُمُ الثَّقَلُ الْأَصْغَرُ، وَالْقُرْآنُ الثَّقَلُ الْأَكْبَرُ، فَكُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مُنْبِئٌ عَنِ صَاحِبِهِ وَ مُوَافِقٌ لَهُ، لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ.

أَلَا إِنَّهُمْ أَمْنَاءُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ وَ حُكَامُهُ فِي أَرْضِهِ. أَلَا وَقَدْ أَدْبَيْتُ.

أَلَا وَقَدْ بَلَّغْتُ، أَلَا وَقَدْ أَسْمَعْتُ، أَلَا وَقَدْ أَوْصَحْتُ، أَلَا وَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ قَالَ وَ أَنَا قُلْتُ عَنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، أَلَا إِنَّهُ لَا «أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ» غَيْرَ أَحَى هَذَا، أَلَا لَا تَجِلُّ إِمْرَةُ الْمُؤْمِنِينَ بَعْدِي لِأَحَدٍ غَيْرِهِ.

هان مردمان! همانا علی و پاکان از فرزندانم از نسل او، یادگار گران سنگ کوچک ترند و قرآن یادگار گران سنگ بزرگ تر. هر یک از این دو از دیگر همراه خود خبر می دهد و با آن سازگار است. آن دو هرگز از هم جدا نخواهند شد تا در حوض کوثر بر من وارد شوند.

هان! بدانید که آنان امانتداران خداوند در میان آفریدگان و حاکمان او در زمین اویند.

هشدار که من وظیفه ی خود را ادا کردم. هشدار که من آن چه بر عهده ام بود ابلاغ کردم و به گوشتان رساندم و روشن نمودم. بدانید که این سخن خدا بود و من از سوی او سخن گفتم. هشدار که هرگز به جز این برادر کسی نباید امیرالمؤمنین خوانده شود. هشدار که پس از من امارت مؤمنان بری کسی جز او روا نباشد.

ثم قال: «إيهاالنَّاسُ، مَنْ أَوْلَى بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ؟ قالوا: اللهُ وَ رَسُوْلُهُ. فَقَالَ: أَلَا مِنْ كُنْتُمْ مَوْلَاةً فَهَذَا عَلَى مَوْلَاةٍ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ وَ أَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَ اخْذِلْ مَنْ خَذَلَهُ.

سپس فرمود: مردمان! کیست سزاوارتر از شما به شما؟ گفتند خداوند و پیامبر او! سپس فرمود آگاه باشید! آن که من سرپرست اویم، پس این علی سرپرست اوست! خداوند دوست بدار آن را که سرپرستی او را بپذیرد و دشمن بدار هر آن که او را دشمن دارد و یاری کن یار او را؛ و تنها گذار آن را که او را تنها بگذارد.

بخش چهارم خطبه غدیر: بلند کردن امیرالمؤمنین علیه السلام بدست رسول خداصلی الله علیه و آله

مَعَاشِرَ النَّاسِ، هَذَا عَلِيٌّ أَخِي وَ وَصِيٌّ وَ وَاعِي عِلْمِي، وَ خَلِيفَتِي فِي أُمَّتِي عَلِيٌّ مَنْ آمَنَ بِي وَ عَلِيٌّ تَفْسِيرُ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ الدَّاعِي إِلَيْهِ وَ الْعَامِلُ بِمَا يَرْضَاهُ وَ الْوَالِي لِمَحَارِبِ لَدَائِهِ وَ الْمُوَالِي عَلِيٌّ طَاعَتِهِ وَ النَّهْيُ عَنِ مَعْصِيَتِهِ. إِنَّهُ خَلِيفَةُ رَسُوْلِ اللَّهِ وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْإِمَامُ الْهَادِي مِنَ اللَّهِ، وَ قَاتِلُ النَّاجِثِينَ وَ الْقَاسِطِينَ وَ الْمَارِقِينَ بِأَمْرِ اللَّهِ. يَقُولُ اللَّهُ: (مَا يَبْدُلُ الْقَوْلُ لَدِي).

بِأَمْرِكَ يَا رَبِّ أَقُولُ: اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ (وَ أَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَ اخْذِلْ مَنْ خَذَلَهُ) وَ الْعَنْ مَنْ أَنْكَرَهُ وَ اغْضِبْ عَلَيَّ مَنْ جَدَّ حَقَّهُ.

هان مردمان! این علی است برادر و وصی و نگاهبان دانش من. و هموست جانشین من در میان امت و بر گروندگان به من و بر تفسیر کتاب خدا که مردمان را به سوی او بخواند و به آن چه موجب خشنودی اوست عمل کند و با دشمنانش ستیز نماید. او پشتیبان فرمانبرداری خداوند و بازدارنده از نافرمانی او باشد. همانا اوست جانشین رسول الله و فرمانروای ایمانیان و پیشوای هدایتگر از سوی خدا و کسی که به فرمان خدا با پیمان شکنان، رویگردانان از راستی و درستی و به دررفتگان از دین پیکار کند. خداوند فرماید: «فرمان من دگرگون نخواهد شد».

پروردگارا! اکنون به فرمان تو چنین می گویم: خداوند! دوستداران او را دوست دار. و دشمنان او را دشمن دار. پشتیبانان او را پشتیبانی کن. یارانش را یاری نما. خودداری کنندگان از یاری اش را به خود رها کن. ناپاورانش را از مهتر بران و بر آنان خشم خود را فرود آور.

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَ الْآيَةَ فِي عَلِيٍّ وَعَلَيْكَ عِنْدَ تَبْيِينِ ذَلِكَ وَنَصْبِكَ إِيَّاهُ لِهَذَا الْيَوْمِ: (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا)، (وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ). اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنِّي قَدْ بَلَّغْتُ.

معبودا! تو خود در هنگام برپاداشتن او و بیان ولایتش نازل فرمودی که: «امروز آیین شما را به کمال، و نعمت خود را بر شما به اتمام رساندم، و اسلام را به عنوان دین شما پسندیدم.» «و آن که به جز اسلام دینی را بجوید، از او پذیرفته نبوده، در جهان دیگر در شمار زیانکاران خواهد بود.» خداوندا، تو را گواه می گیرم که پیام تو را به مردمان رساندم.

بخش پنجم خطبه غدیر: تاکید بر توجه امت به مسئله امامت

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّمَا أَكْمَلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ دِينَكُمْ بِإِمَامَتِهِ. فَمَنْ لَمْ يَأْتَمَّ بِهِ وَيَمْنَنْ يَقُومَ مَقَامَهُ مِنْ وُلْدِي مِنْ صُلْبِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَالْعَرْضِ عَلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ (فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ) وَ فِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ، (لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابَ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ).

هان مردمان! خداوند عزوجل دین را با امامت علی تکمیل فرمود. اینک آنان که از او و جانشینانش از فرزندان من و از نسل او - تا برپایی رستاخیز و عرضه ی بر خدا - پیروی نکنند، در دو جهان کرده هایشان بیهوده بوده در آتش دوزخ ابدی خواهند بود، به گونه ی که نه از عذابشان کاسته و نه برایشان فرصتی خواهد بود.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، هَذَا عَلِيٌّ، أَنْصَرُكُمْ لِي وَأَحْفَظُكُمْ بِي وَأَقْرِبُكُمْ إِلَيَّ وَأَعَزُّكُمْ عَلَيَّ، وَاللَّهُ عَزَّوَجَلَّ وَأَنَا عَنْهُ رَاضِيَانِ. وَ مَا نَزَلَتْ آيَةٌ رِضًا (فِي الْقُرْآنِ) إِلَّا فِيهِ، وَلَا خَاطَبَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا إِلَّا بِدَأْ بِهٖ، وَلَا نَزَلَتْ آيَةٌ مَدْحٌ فِي الْقُرْآنِ إِلَّا فِيهِ، وَلَا شَهِدَ اللَّهُ بِالْحَقِّ فِي (هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ) إِلَّا لَهُ، وَلَا أَنْزَلَهَا فِي سِوَاهُ وَلَا مَدَحَ بِهَا غَيْرَهُ.

هان مردمان! این علی یاورترین، سزاوارترین و نزدیک ترین و عزیزترین شما نسبت به من است. خداوند عزوجل و من از او خشنودیم. آیه رضایتی در قرآن نیست مگر این که درباره ی اوست. و خدا هرگاه ایمان آوردگان را خطاب می نموده به او آغاز کرده [و او اولین شخص مورد نظر خدی متعال بوده است] . و آیه ی ستایشی نازل نگشته مگر درباره ی او. و خداوند در سوره ی «هل أتى على الإنسان» گواهی بر بهشت [رفتن] نداده مگر بری او، و آن را در حق غیر او نازل نکرده و به آن جز او را نستوده است.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، هُوَ نَاصِرٌ دِينَ اللَّهِ وَالْمُجَادِلُ عَنِ رَسُولِ اللَّهِ، وَ هُوَ التَّقِيُّ النَّقِيُّ الْهَادِي الْمُهْدِي. نَبِيُّكُمْ خَيْرُ نَبِيٍّ وَ وَصِيُّكُمْ خَيْرُ وَصِيٍّ (وَبَنُوهُ خَيْرُ الْأَوْصِيَاءِ).

مَعَاشِرَ النَّاسِ، ذُرِّيَّةُ كُلِّ نَبِيٍّ مِنْ صُلْبِهِ، وَ ذُرِّيَّتِي مِنْ صُلْبِ (أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ) عَلِيٍّ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ إِبْلِيسَ أَخْرَجَ آدَمَ مِنَ الْجَنَّةِ بِالْحَسَدِ، فَلَاتَحْسُدُوهُ فَتَحْبِطَ أَعْمَالُكُمْ وَتَنْزَلَ أَقْدَامُكُمْ، فَإِنَّ آدَمَ أَهْبِطَ إِلَى الْأَرْضِ بِخَطِيئَةٍ وَاجِدَةٍ، وَهُوَ صَفْوَةُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَكَيْفَ بِكُمْ وَأَنْتُمْ أَنْتُمْ وَ مِنْكُمْ أَعْدَاءُ اللَّهِ،

أَلَا وَ إِنَّهُ لَا يَبْغِضُ عَلِيًّا إِلَّا شَقِيٌّ، وَ لَا يُؤَالِي عَلِيًّا إِلَّا تَقِيٌّ، وَ لَا يُؤْمِنُ بِهِ إِلَّا مُؤْمِنٌ مُخْلِصٌ.

هان مردمان! او یاور دین خدا و دفاع کننده ی از رسول اوست. او پرهیزکار پاکیزه و رهنمی ارشاد شده [به دست خود خدا] است. پیامبرتان برترین پیامبر، وصی او برترین وصی و فرزندان او برترین اوصیایند.

هان مردمان! فرزندان هریسامیر از نسل اویند و فرزندان من از صلب و نسل امیرالمؤمنین علی است.

هان مردمان! به راستی که شیطان اغواگر، آدم را با رشک از بهشت رانده مبادا شما به علی رشک ورزید که کرده هایتان نابود و گام هایتان لغزان خواهدشد. آدم به خاطر یک اشتباه به زمین هبوط کرد و حال آن که برگزیده ی خدی عزوجل بود. پس چگونه خواهید بود شما و حال آن که شما شمايید و دشمنان خدا نیز از میان شمايند.

آگاه باشيد! که با علی نمی ستیزد مگر بی سعادت. و سرپرستی او را نمی پذیرد مگر رستگار پرهیزگار. و به او نمی گروود مگر ایمان دار بی آلايش.

وَ فِي عَلِيٍّ - وَاللَّهِ - نَزَلَتْ سُورَةُ الْعَصْرِ: (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، وَالْعَصْرِ، إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ) (إِلَّا عَلِيًّا الَّذِي آمَنَ وَ رَضِيَ بِالْحَقِّ وَالصَّبْرِ).

مَعَاشِرَ النَّاسِ، فَيَدِّ اسْتَشْهَدْتُ اللَّهَ وَبَلَّغْتُكُمْ رَسُولِي وَ مَا عَلَيَّ الرَّسُولُ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، (اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَ لَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ).

و سوگند به خدا که سوره ی والعصر درباره ی اوست: «به نام خداوند همه مهر مهر ورز. قسم به زمان که انسان در زیان است.» مگر علی که ایمان آورده و به درستی و شکیبایی آراسته است.

هان مردمان! خدا را گواه گرفتیم و پیام او را به شما رسانیدیم. و بر فرستاده و وظیفه ی جز بیان و ابلاغ روشن نباشد!

هان مردمان! تقوا پیشه کنید همان گونه که بایسته است. و نمیرید جز با شرف اسلام.

بخش ششم خطبه غدیر: اشاره به کارشکنی های منافقین

مَعَاشِرَ النَّاسِ، (آمَنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ النَّوْرَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وَجُوهًا فَنَرُدَّهَا عَلَيَّ أَدْبَارَهَا أَوْ نُلْعَنَهُمْ كَمَا لَعْنَا أَصْحَابَ السَّبْتِ). (بِاللَّهِ مَا عَنِيَ بِهَذِهِ الْآيَةِ إِلَّا قَوْمًا مِنْ أَصْحَابِي أَعْرَفُهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ وَ أَنْسَابِهِمْ، وَ قَدْ أُمِرْتُ بِالصَّفْحِ عَنْهُمْ فَلْيَعْمَلْ كُلُّ امْرِئٍ عَلَى مَا يَجِدُ لِعَلِيٍّ فِي قَلْبِهِ مِنَ الْحُبِّ وَ الْبُغْضِ).

مَعَاشِرَ النَّاسِ، النَّوْرُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَسْلُوكٌ فِي ثَمِّ فِي عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، ثُمَّ فِي النَّسْلِ مِنْهُ إِلَى الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ الَّذِي يَأْخُذُ بِحَقِّ اللَّهِ وَ بِحَقِّ هُوَ لَنَا، لِإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ جَعَلَنَا حُجَّةً عَلَى الْمُفْصِرِينَ وَ الْمُعَانِدِينَ وَ الْخَائِنِينَ وَ الْأَثِمِينَ وَ الظَّالِمِينَ وَ الْعَاصِبِينَ مِنْ جَمِيعِ الْعَالَمِينَ.

هان مردمان! «به خدا و رسول و نور همراهش ایمان آورید پیش از آن که چهره ها را تپاه و باژگونه کنیم یا چونان اصحاب روز شنبه [یهودیانی که بر خدا نیرنگ آوردند] رانده شوید.» به خدا سوگند که مقصود خداوند از این آیه گروهی از صحابه اند که آنان را با نام و نسب می شناسم لیکن به پرده پوشی کارشان مأمورم. آنک هر کس پایه کار خویش را مهر و یا خشم علی در دل قرار دهد [و بداند که ارزش عمل او وابسته به آن است.].

مردمان! نور از سوی خداوند عزوجل در جان من، سپس در جان علی بن ابی طالب، آن گاه در نسل او تا قائم مهدی - که حق خدا و ما را می ستاند - جی گرفته. چرا که خداوند عزوجل ما را بر کوتاهی کنندگان، ستیزه گران، ناسازگاران، خائنان و گنهکاران و ستمکاران و غاصبان از تمامی جهاتین دلیل و راهنما و حجت آورده است.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَنْذَرَكُمْ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ فَدَخَلْتُ مِنْ قَبْلِي الرُّسُلُ، أَفَإِنْ مِتُّ أَوْ قُتِلْتُ انْقَلَبْتُمْ عَلَيَّ أَغْقَابِكُمْ؟ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَيَّ فَقَيْنِيهِ فَلَنُهَانَ يَضُرَّ اللَّهُ شَيْئاً وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ (الصَّابِرِينَ). أَلَا وَإِنَّ عَلَيَّ هُوَ الْمُؤَصَّوْفُ بِالصَّبْرِ وَالشُّكْرِ، ثُمَّ مِنْ بَعْدِهِ وَوَلَدِي مِنْ صُلْبِهِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، لَا تَمُنُّوا عَلَيَّ بِإِسْلَامِكُمْ، بَلْ لَا تَمُنُّوا عَلَيَّ اللَّهُ فَيُحْبِطَ عَمَلَكُمْ وَيَسْخَطَ عَلَيَّكُمْ وَيَبْتَلِيَكُمْ بِشَوَاطِئِ مِنْ نَارٍ وَنَحَاسٍ، إِنَّ رَبَّكُمْ لَبِا الْمُرْصَادِ.

هان مردمان! هشدارتان می دهم: همانا من رسول خدایم. پیش از من نیز رسولانی آمده و سپری گشته اند. آیا اگر من بمیرم یا کشته شوم، به جاهلیت عقب گرد می کنید؟ آن که به قهقرا برگردد، هرگز خدا را زیانی نخواهد رسانید و خداوند سپاسگزاران شکیباگر را پاداش خواهد داد. بدانید که علی و پس از او فرزندان من از نسل او، داری کمال شکیبایی و سپاسگزاری اند.

هان مردمان! اسلامتان را بر من منت نگذارید؛ که اعمال شما را بیهوده و تباه خواهد کرد و خداوند بر شما خشم خواهد گرفت و سپس شما را به شعله ی از آتش و مس گداخته گرفتار خواهد نمود. همانا پروردگار شما در کمین گاه است.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُ سَيَكُونُ مِنْ بَعْدِي أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنصَرُونَ. مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ اللَّهَ وَأَنَا بَرِينَانِ مِنْهُمْ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُمْ وَأَنْصَارَهُمْ وَأَثْبَاعَهُمْ وَأَشْيَاعَهُمْ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَيْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ. أَلَا إِنَّهُمْ أَصْحَابُ الصَّحِيفَةِ، فَلْيَنْظُرْ أَحَدَكُمْ فِي صَحِيفَتِهِ!!

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنِّي أَدْعُهَا إِمَامَةً وَوَرِثَةً (فِي عَقْبِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ)، وَقَدْ بَلَّغْتُ مَا أُمِرْتُ بِتَبْلِيغِهِمْ حُجَّةً عَلَى كُلِّ حَاضِرٍ وَغَائِبٍ وَعَلَى كُلِّ أَحَدٍ مِمَّنْ شَهِدَ أَوْ لَمْ يَشْهَدْ، وَلِدٌ أَوْ لَمْ يُولَدْ، فَلْيَبْلُغِ الْحَاضِرُ الْغَائِبَ وَالْوَالِدُ الْوَلَدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ. وَسَيَجْعَلُونَ الْإِمَامَةَ بَعْدِي مُلْكاً وَاغْتِصَاباً، (أَلَا لَعْنُ اللَّهِ الْغَاصِبِينَ الْمُغْتَصِبِينَ)، وَعِنْدَهَا سَيَفْرُغُ لَكُمْ أَيُّهَا السُّقْلَانِ (مَنْ يَفْرَغُ) وَيُرْسِلُ عَلَيَّكُمْ شَوَاطِئَ مِنْ نَارٍ وَنَحَاسٍ فَلَا تَنْتَصِرَانِ.

مردمان! به زودی پس از من پیشوایانی خواهند بود که شما را به سوی آتش می خوانند و در روز رستاخیز تنها وبدون یاور خواهند ماند.

هان مردمان! خداوند و من از آنان بیزاریم.

هان مردمان! آنان و یاران و پیروانشان در بدترین جی جهنم، جایگاه متکبران خواهند بود. بدانید آنان اصحاب صحیفه اند. اکنون هر کس در صحیفه ی خود نظر کند.

هان مردمان! اینک جانشینی خود را به عنوان امامت و وراثت به امانت به جی می گذارم در نسل خود تا برپایی روز رستاخیز. و حال، مأموریت تبلیغی خود را انجام می دهم تا برهان بر هر شاهد و غایب و بر آنان که زاده شده یا نشده اند و بر تمامی مردمان باشد. پس بایسته است این سخن را حاضران به غایبان و پدران به فرزندان تا برپایی رستاخیز برسانند.

آگاه باشید! به زودی پس از من امامت را با پادشاهی جابه جا نموده. آن را غصب کرده و به تصرف خویش درآورند.

هان! نفرین و خشم خدا بر غاصبان و چپاول گران! و البته در آن هنگام خداوند آتش عذاب - شعله هی آتش و مس گداخته - بر سر شما جن و انس خواهد ریخت. آن جاست که دیگر یاری نخواهید شد.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لَمْ يَكُنْ لِيَذْرُكُمْ عَلَى مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّى يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ، وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُطْلِعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُ مَا مِنْ قَرِيْبَةٍ إِلَّا وَاللَّهُ مُهْلِكُهَا بِتَكْذِيبِهَا قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ مُمَكِّئُهَا لِإِمَامِ الْمُهْدَى وَاللَّهُ مُصَدِّقٌ وَعْدَهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، قَدْ ضَلَّ قَبْلَكُمْ أَكْثَرُ الْأَوَّلِينَ، وَاللَّهُ لَقَدْ أَهْلَكَ الْأَوَّلِينَ، وَهُوَ مُهْلِكُ الْآخِرِينَ.

هان مردمان! هر آینه خداوند عزوجل شما را به حالتان رها نخواهد کرد تا ناپاک را از پاک جدا کند. و خداوند نمی خواهد شما را بر غیب آگاه گرداند. (اشاره به آیه ی 179 / آل عمران است.)

هان مردمان! هیچ سرزمینی نیست مگر این که خداوند به خاطر تکذیب اهل آن [حق را] ، آنان را پیش از روز رستاخیز نابود خواهد فرمود و به امام مهدی خواهد سپرد. و هر آینه خداوند وعده ی خود را انجام خواهد داد.

هان مردمان! پیش از شما، شمار فزونی از گذشتگان گمراه شدند و خداوند آنان را نابود کرد. و همو نابودکننده ی آیندگان است.

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: (أَلَمْ نُهْلِكِ الْأَوَّلِينَ، ثُمَّ نُنَبِّئُهُمُ الْآخِرِينَ، كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ، وَيَلَّ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ).

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَمَرَنِي وَنَهَانِي، وَقَدْ أَمَرْتُ عَلِيًّا وَنَهَيْتُهُ (بِأَمْرِهِ). فَعَلِمُ الْأَمْرَ وَالنَّهْيَ لَدَيْهِ، فَاسْمَعُوا لِأَمْرِهِ تَسْلَمُوا وَأَطِيعُوا تَهْتَدُوا وَأَنْتَهُوا لِنَهْيِهِ تَرشُدُوا، (وَاصْبِرُوا إِلَى مُرَادِهِ) وَلَا تَتَفَرَّقُوا بِكُمْ السَّبِيلُ عَن سَبِيلِهِ.

او خود در کتابش آورده: «آیا پیشینیان را تباه نکردیم و به دنبال آنان آیندگان را گرفتار نساختم؟ با مجرمان این چنین کنیم. وی بر نابوران!»

هان مردمان! همانا خداوند امر و نهی خود را به من فرموده و من نیز به دستور او دانش آن را نزد علی نهادم. پس فرمان او را بشنوید و گردن نهید و پیرویش نمایید و از آنچه بازتان دارد خودداری کنید تا راه یابید. به سوی هدف او حرکت کنید. راه هی گونه گون شما را از راه او باز ندارد!

بخش هفتم خطبه غدیر: پیروان اهل بیت علیهم السلام و دشمنان ایشان

مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَنَا صِرَاطُ اللَّهِ الْمُسْتَقِيمِ الَّذِي أَمَرَكُمْ بِاتِّبَاعِهِ، ثُمَّ عَلِيٌّ مِنْ بَعْدِي. ثُمَّ وُلْدِي مِنْ صُلْبِهِ أُمَّةٌ (الْهُدَى)، يَهْدُونَ إِلَى الْحَقِّ وَ بِهِ يَعْدِلُونَ.

ثُمَّ قَرَأَ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ...» إِلَى آخِرِهَا،

هان مردمان! صراط مستقیم خداوند منم که شما را به پیروی آن امر فرموده. و پس از من علی است و آن گاه فرزندانم از نسل او، پیشوایان راه راستند که به درستی و راستی راهنمایند و به آن حکم و دعوت کنند.

سپس پیامبر صلی الله علیه و آله قرانت فرمود: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» - تا آخر سوره.

وَقَالَ: فِي نَزَلَتْ وَفِيهِمْ (وَاللَّهِ) نَزَلَتْ، وَلَهُمْ عَمَتْ وَإِيَّاهُمْ خَصَّتْ، أَوْلَيْكَ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ الَّذِينَ لَأَخَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ، أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ. أَلَا إِنَّ أَعْدَانَهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ الْغَاوُونَ إِخْوَانُ الشَّيَاطِينِ يُوْحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا. أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الَّذِينَ ذَكَرَهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ، فَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ: (لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ، أَوْلِيكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ) إِلَى آخِرِ الْآيَةِ.

هان! به خدا سوگند این سوره درباره ی من نازل شده و شامل امامان می باشد و به آنان اختصاص دارد. آنان اولیای خدایند که ترس و اندوهی برایشان نیست، آگاه باشید: البته حزب خدا چیره و غالب خواهد بود. هشدار که: ستیزندگان با امامان، گمراه و همکاران شیاطین اند. بری گمراهی مردمان، سخنان بیهوده و پوچ را به یکدیگر می رسانند. بدانید که خداوند از دوستان امامان در کتاب خود چنین یاد کرده: «[ی پیامبر ما] نمی یابی ایمانیان به خدا و روز بازپسین، که ستیزه گران خدا و رسول را دوست ندارند، گرچه آنان پدران، برادران و خویشانشان باشند. آنان [که چنین اند] خداوند ایمان را در دل هایشان نبشته است.» - تا آخر آیه.

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ وَصَفَهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَقَالَ: (الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَ هُمْ مُهْتَدُونَ).

(لَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَرْتَابُوا)

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الَّذِينَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ بِسَلَامٍ آمِنِينَ، تَتَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ بِالسَّلَامِ يَقُولُونَ: سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوا خَالِدِينَ.

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمْ، لَهُمُ الْجَنَّةُ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ. أَلَا إِنَّ أَعْدَانَهُمُ الَّذِينَ يَصَلُّونَ سَعِيرًا.

أَلَا إِنَّ أَعْدَانَهُمُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ لِحَنَّهُمْ شَهِيقًا وَ هِيَ تَفُورُ وَ يَرَوْنَ لَهَا زَفِيرًا.

أَلَا إِنَّ أَعْدَانَهُمُ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ فِيهِمْ: (كُلَّمَا نَخَلْتُ أُمَّةً لَعَنْتُ أُخْتَهَا) الْآيَةِ.

أَلَا إِنَّ أَعْدَانَهُمُ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: (كُلَّمَا أَلْقَى فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ، قَالُوا بَلَى قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَ قُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ) إِلَى قَوْلِهِ: (الْأَفْسُخًا لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ). أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ، لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ.

هان! دوستداران امامان ایمانیان اند که قرآن چنان توصیف فرموده: «آنان که ایمان آورده و باور خود را به شرک نیالوده اند، در امان و در راه راست هستند».

هشدار! یاران پیشوایان کسانی هستند که به باور رسیده و از تردید و انکار دور خواهند بود.

هشدار! اولیای امامان آنانند که با آرامش و سلام به بهشت درخواهند شد و فرشتگان با سلام آنان را پذیرفته، خواهند گفت: «درود بر شما که پاک شده اید. اینک داخل شوید که در بهشت، جاودانه خواهید بود».

هان! بهشت پاداش اولیای آنان است و در آن بی حساب روزی داده خواهند شد.

هان! دشمنان آنان آن کسانی اند که در آتش درآیند. و همانا ناله ی افروزش جهنم

را می شنوند در حالی که شعله هی آتش زبانه می کشد و زفیر (صدی بازدم) جهنم را نیز درمی یابند.

هان! خداوند دربارہ ی ستیزگران با آنان فرموده: «هرگاه امتی داخل جهنم شود همتی خود را نفرین کند»

هشدار! که دشمنان امامان همانانند که خداوند دربارہ ی آنان فرموده: «هر گروهی از آنان داخل جهنم شود نگاهبانان می پرسند: مگر برایتان ترساننده ی نیامد؟! می گویند: چرا ترساننده آمد لیکن تکذیب کردیم و گفتیم: خداوند وحی نفرستاده و شما نیستید مگر در گمراهی بزرگ!» تا آن جا که فرماید: «هان! نابود باد دوزخیان»

هان! یاران امامان در نهان، از پروردگار خویش ترسانند، آمرزش و پاداش بزرگ بری آنان خواهد بود.

هان مردمان! چه بسیار راه است میان آتش و پاداش بزرگ!

مَعَاشِرَ النَّاسِ، شَتَّانَ مَا بَيْنَ السَّعِيرِ وَالْأَجْرِ الْكَبِيرِ.

(مَعَاشِرَ النَّاسِ)، عَدُوْنَا مِنْ ذَمِّهِ اللَّهِ وَلَعْنَتِهِ، وَ وَلِيْنَا (كُلُّ) مَنْ مَدَحَهُ اللَّهُ وَ أَحَبَّهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَلَا وَإِنِّي (أَنَا) النَّذِيرُ وَ عَلِيُّ الْبَشِيرُ.

(مَعَاشِرَ النَّاسِ)، أَلَا وَ إِنِّي مُنذِرٌ وَ عَلِيٌّ هَادٍ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ (أَلَا) وَ إِنِّي نَبِيٌّ وَ عَلِيٌّ وَصِيٌّ.

(مَعَاشِرَ النَّاسِ)، أَلَا وَإِنِّي رَسُولٌ وَ عَلِيٌّ الْإِمَامُ وَالْوَصِيُّ مِنْ بَعْدِي، وَالْأَنْبِيَاءُ مِنْ بَعْدِهِ وَ لُدُّهُ. أَلَا وَإِنِّي وَالِدُهُمْ وَ هُمْ يَخْرُجُونَ مِنْ صُلْبِهِ

هان مردمان! خداوند ستیزه جویان ما را ناستوده و نفرین فرموده و دوستان ما را ستوده و دوست دارد.

هان مردمان! بدانید که همانا من انذارگرم و علی مزده دهنده.

هان! که من بیم دهنده ام و علی راهنما.

هان مردمان! بدانید که من پیامبرم و علی وصی من است.

هان مردمان! بدانید که همانا من فرستاده و علی امام و وصی پس از من است. و امامان پس از او فرزندان اویند.

آگاه باشید! من والد آنانم ولی ایشان از نسل علی خواهند بود.

بخش هشتم خطبه غدیر: حضرت مهدی عجل الله فرجه الشريف

أَلَا إِنَّ خَاتَمَ الْأَنْبِيَاءِ مِنَّا الْقَائِمَ الْمَهْدِيَّ.

أَلَا إِنَّهُ الظَّاهِرُ عَلَى الدِّينِ.

أَلَا إِنَّهُ الْمُنتَقِمُ مِنَ الظَّالِمِينَ.

أَلَا إِنَّهُ فَاتِحُ الخُصُونِ وَ هَادِمُهَا.

أَلَا إِنَّهُ غَالِبُ كُلِّ قَبِيلَةٍ مِنْ أَهْلِ الشَّرْكَ وَ هَادِيهَا.

أَلَا إِنَّهُ الْمُدْرِكُ بِكُلِّ تَارٍ لِوُليَاءِ اللَّهِ.

أَلَا إِنَّهُ النَّاصِرُ لِديِنِ اللَّهِ.

أَلَا إِنَّهُ الْعَرَّافُ مِنْ بَحْرِ عَمِيقٍ.

أَلَا إِنَّهُ يَسِمُ كُلَّ ذِي فَضْلٍ بِفَضْلِهِ وَ كُلَّ ذِي جَهْلٍ بِجَهْلِهِ.

أَلَا إِنَّهُ خَيْرَةُ اللَّهِ وَ مُخْتَارُهُ.

أَلَا إِنَّهُ وَارِثُ كُلِّ عِلْمٍ وَ الْوَالِيُّ كُلِّ فَهْمٍ.

أَلَا إِنَّهُ الْوَالِيُّ عَنِ رَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ الْمُسْتَنَادُ لِأَمْرِ آيَاتِهِ.

أَلَا إِنَّهُ الرَّشِيدُ السَّيِّدُ.

أَلَا إِنَّهُ الْمَفْوضُ إِلَيْهِ.

أَلَا إِنَّهُ قَدْ بَشَّرَ بِهِ مَنْ سَلَفَ مِنَ الْقُرُونِ بَيْنَ يَدَيْهِ.

أَلَا إِنَّهُ الْبَاقِي حُجَّةً وَ لَاحِجَةً بَعْدَهُ وَ لَا حَقَّ إِلَّا مَعَهُ وَ لَا نُورَ إِلَّا عِنْدَهُ.

أَلَا إِنَّهُ لَا غَالِبَ لَهُ وَ لَا مَنْصُورَ عَلَيْهِ.

أَلَا وَ إِنَّهُ وَليُّ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَ حَكَمُهُ فِي خَلْقِهِ، وَ أَمِينُهُ فِي سِرِّهِ وَ عَلَانِيَتِهِ.

آگاه باشید! همانا آخرین امام، قائم مهدی از ماست. هان! او بر تمامی ادیان چیره خواهد بود.

هشدار! که اوست انتقام گیرنده از ستمکاران.

هشدار! که اوست فاتح دژها و منهدم کننده ی آنها.

هشدار! که اوست چیره بر تمامی قبایل مشرکان و راهنمی آنان.

هشدار! که او خونخواه تمام اولیی خداست.

آگاه باشید! اوست یاور دین خدا.

هشدار! که از دریایی ژرف پیمانانه هایی افزون گیرد.

هشدار! که او به هر ارزشمندی به اندازه ی ارزش او، و به هر نادان و بی ارزشی به اندازه ی نادانی اش نیکی کند.

هشدار! که او نیکو و برگزیده ی خداوند است.

هشدار! که او وارث دانش ها و حاکم بر ادراک هاست.

هان! بدانید که او از سوی پروردگارش سخن می گوید و آیات و نشانه های او را برپا کند. بدانید همانا اوست بالیده و استوار.

بیدار باشید! هموست که [اختیار امور جهانیان و آیین آنان] به او واگذار شده است.

آگاه باشید! که تمامی گذشتگان ظهور او را پیشگویی کرده اند.

آگاه باشید! که اوست حجت پایدار و پس از او حجتی نخواهد بود. (2) درستی و راستی و نور و روشنایی تنها نزد اوست.

هان! کسی بر او پیروز نخواهد شد و ستیزنده ی او یاری نخواهد گشت.

آگاه باشید که او ولی خدا در زمین، داور او در میان مردم و امانتدار امور آشکار و نهان است.

2 (این تعبیر به عنوان حجت و امامت است و نظری به رجعت دیگر امامان ندارد زیرا آنان حجت های پیشین اند که دوباره رجعت خواهند نمود.)

بخش نهم خطبه غدیر: مطرح کردن بیعت

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنِّي قَدِ بَيَّنْتُ لَكُمْ وَأَفْهَمْتُكُمْ، وَ هَذَا عَلَيَّ يُفْهَمُكُمْ بَعْدِي. الْأَوَائِي عِنْدَ انْقِضَاءِ خُطْبَتِي أَدْعُوكُمْ إِلَيَّ مُصَافَقَتِي عَلَى بَيْعَتِهِ وَ الْإِفْرَارِ بِهِ، ثُمَّ مُصَافَقَتِهِ بَعْدِي. الْأَوَائِي قَدْ بَايَعْتُ اللَّهَ وَ عَلَيَّ قَدْ بَايَعَنِي. وَأَنَا أَخَذْتُكُمْ بِالْبَيْعَةِ لَهُ عَنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ. (إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ، يَدُلُّ اللَّهُ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ. فَمَنْ نَكَتَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ، وَ مَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا).

هان مردمان! من پیام خدا را برایتان آشکار کرده تفهیم نمودم. و این علی است که پس از من شما را آگاه می کند. اینک شما را می خوانم که پس از پایان خطبه با من و سپس با علی دست دهید تا با او بیعت کرده به امامت او اقرار نمایید. آگاه باشید من با خداوند و علی با من پیمان بسته و من اکنون از سوی خدی عزوجل بری امامت او پیمان می گیرم. «[ی پیامبر] آنان که با تو بیعت کنند هر آینه با خدا بیعت کرده اند. دست خدا بالای دستان آنان است. و هر کس بیعت شکند، بر زبان خود شکسته، و آن کس که بر پیمان خداوند استوار و باوفا باشد، خداوند به او پاداش بزرگی خواهد داد.

بخش دهم خطبه غدیر: حلال و حرام، واجبات و محرمات

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ مِنَ شَعَائِرِ اللَّهِ، (فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا) الْآيَةَ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، حُجُّو الْبَيْتَ، فَمَا وَرَدَهُ أَهْلُ بَيْتِ إِلَّا اسْتَعْنُوا وَ أَبْشِرُوا، وَ لَا تَخْلَفُوا عَنْهُ إِلَّا بَتَرُوا وَ افْتَقَرُوا.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، مَا وَفَّقَ بِالْمَوْفِقِ مُؤْمِنٌ إِلَّا عَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا سَلَفَ مِنْ ذَنْبِهِ إِلَى وَقْتِهِ ذَلِكَ، فَإِذَا انْقَضَتْ حَجَّتُهُ اسْتَأْنَفَ عَمَلَهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، الْحَجَّاجُ مُعَانُونَ وَ نَفَقَاتُهُمْ مُخَلَّفَةٌ عَلَيْهِمْ وَ اللَّهُ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، حُجُّو الْبَيْتَ بِكَمَالِ الدِّينِ وَ النَّفَقَةَ، وَ لَا تَنْصَرِفُوا عَنِ الْمَشَاهِدِ إِلَّا بِتُوبَةٍ وَ إِفْلَاحٍ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ كَمَا أَمَرَكُمُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ، فَإِنِ طَالَ عَلَيْكُمُ الْأَمَدُ فَقَصِّرْهُمُ أَوْ نَسِيئْتُمْ فَعَلَى وَلِيِّكُمْ وَ مَبِينٍ لَكُمْ، الَّذِي نَصَبَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَكُمْ بَعْدِي أَمِينٌ خَلَقَهُ. إِنَّهُ مِنِّي وَ أَنَا مِنْهُ، وَ هُوَ وَ مَنْ تَخَلَّفَ مِنْ ذُرِّيَّتِي يُخْبِرُونَكُمْ بِمَا تَسْأَلُونَ عَنْهُ وَ يَبَيِّنُونَ لَكُمْ مَا لَا تَعْلَمُونَ.

هان مردمان! همانا حج و عمره از شعائر و آداب و رسوم خدایی است. پس زائران خانه ی خدا و عمره کنندگان بر صفا و مروه بسیار طواف کنند.

هان مردمان! در خانه ی خدا حج گزارید؛ که هیچ خاندانی داخل آن نشد مگر بی نیاز شد و مزده گرفت، و کسی از آن روی برنگردانید مگر بی بهره و نیازمند گردید.

هان مردمان! مؤمنی در موقف (عرفات، مشعر، منا) نمائند مگر این که خدا گناهان گذشته ی او را بیامزد و بایسته است که پس از پایان اعمال حج [با پرونده ی پاک] کار خود را از سر گیرد.

هان مردمان! حاجیان دستگیری شده اند و هزینه هی سفرشان جبران می شود و جایگزین آن به آنان خواهد رسید. و البته خداوند پاداش نیکوکاران را تباه نخواهد کرد.

هان مردمان! خانه ی خدا را با دین کامل و دانش ژرفی آن دیدار کنید و از زیارتگاهها جز با توبه و بازایستادن [از گناهان] برنگردید.

هان مردمان! نماز را به پا دارید و زکات بپردازید همان سان که خداوند عزوجل امر فرموده. پس اگر زمان بر شما دراز شد و کوتاهی کردید یا از یاد بردید، علی صاحب اختیار و تبیین کننده ی بر شماسست. خداوند عزوجل او را پس از من امانتدار خویش در میان آفریدگانش نهاده. همانا او از من و من از اویم. و او و فرزندان من از جانشینان او، پرسش هی شما را پاسخ دهند و آن چه را نمی دانید به شما می آموزند.

أَلَا إِنَّ الْحَلَالَ وَالْحَرَامَ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ أَحْصِيَهُمَا وَأَعْرَفَهُمَا فَأَمَرَ بِالْحَلَالِ وَانْهَى عَنِ الْحَرَامِ فِي مَقَامٍ وَاحِدٍ، فَأَمَرْتُ أَنْ أَخَذَ الْبَيْعَةَ مِنْكُمْ وَالصَّفْقَةَ لَكُمْ بِقَبُولِ مَا جِئْتُ بِهِ عَنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي عِلِّيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَوْصِيَاءِ مِنْ بَعْدِهِ الَّذِينَ هُمْ مِنِّي وَمِنْهُ إِمَامَةٌ فِيهِمْ قَائِمَةٌ، خَاتِمُهَا الْمُهَدَى إِلَى يَوْمٍ يَلْقَى اللَّهُ الَّذِي يَقْدِرُ وَيَقْضِي.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، وَ كُلُّ حَلَالٍ دَلَّلْتُكُمْ عَلَيْهِ وَكُلُّ حَرَامٍ نَهَيْتُكُمْ عَنْهُ فَإِنِّي لَمْ أَرْجِعْ عَنْ ذَلِكَ وَ لَمْ أَبْدِلْ. أَلَا فَادْكُرُوا ذَلِكَ وَاحْفَظُوهُ وَ تَوَاصَوْا بِهِ، وَ لَا تَبْدِلُوهُ وَ لَا تَغَيِّرُوهُ. أَلَا وَ إِنِّي أَجِدُّ الْقَوْلَ: أَلَا فَاقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَآمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ.

هان! روا و ناروا بیش از آن است که من شمارش کنم و بشناسانم و در این جا یکباره به روا فرمان دهم و از ناروا بازدارم. از این روی مأمورم از شما بیعت بگیرم که دست در دست من نهدید در مورد پذیرش آن چه از سوی خداوند آورده ام درباری علی امیرالمؤمنین و اوصیای پس از او که آنان از من و اویند. و این امامت به وراثت پایدار است و فرجام امامان، مهدی است و استواری امامت تا روزی است که او با خداوند قدر و قضا دیدار کند.

هان مردمان! شما را به هرگونه روا و ناروا راهنمایی کردم و از آن هرگز برنمی گردم. بدانید و آگاه باشید! آن ها را یاد کنید و نگه دارید و یکدیگر را به آن توصیه نمایید و در آن [احکام خدا] دگرگونی راه ندهید. هشدار که دوباره می گویم: بیدار باشید! نماز را به پا دارید. و زکات بپردازید. و امر به معروف کنید و از منکر بازدارید.

أَلَا وَإِنَّ رَأْسَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ أَنْ تَنْتَهُوا إِلَى قَوْلِي وَتَبْلُغُوهُ مَنْ لَمْ يَحْضُرْ وَ تَأْمُرُوهُ بِقَبُولِهِ عَنِّي وَتَنْهَوُهُ عَنِ مَخَالَفَتِهِ، فَإِنَّهُ أَمْرٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَمِنِّي. وَ لَا أَمْرَ بِمَعْرُوفٍ وَ لَا نَهْيَ عَنِ مُنْكَرٍ إِلَّا مَعَ إِمَامٍ مَعْصُومٍ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، الْفُرْزَانُ يُعَرِّفُكُمْ أَنَّ الْأَيْمَةَ مِنْ بَعْدِهِ وَوَلَدَهُ، وَ عَرَفْتُكُمْ إِنَّهُمْ مِنِّي وَمِنْهُ، حَيْثُ يَقُولُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ: (وَ جَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ). وَ قُلْتُ: «لَنْ تَضَلُّوا مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا

مَعَاشِرَ النَّاسِ، التَّقْوَى، التَّقْوَى، وَاحْذَرُوا السَّاعَةَ كَمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: (إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ). اذْكُرُوا الْمَمَاتَ (وَالْمَعَادَ) وَالْحِسَابَ وَالْمَوَازِينَ وَالْمَحَاسِبَ بَيْنَ يَدَيِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالنَّوَابِ وَالْعِقَابِ. فَمَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ أَثِيبَ عَلَيْهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَيْسَ لَهُ فِي الْجَنَّةِ نَصِيبٌ.

و بدانید که ریشه ی امر به معروف این است که به گفته ی من [درباره ی امامت] برسید و سخن مرا به دیگران برسانید و غایبان را به پذیرش فرمان من توصیه کنید و آنان را از ناسازگاری سخنان من بازدارید؛ همانا سخن من فرمان خدا و من است و هیچ امر به معروف و نهی از منکرى جز با امام معصوم تحقق و کمال نمی یابد.

هان مردمان! قرآن بر شما روشن می کند که امامان پس از علی فرزندان اویند و من به شما شناساندم که آنان از او و از من اند. چرا که خداوند در کتاب خود می گوید: «امامت را فرمانی پایدار در نسل او قرار داد...» و من نیز گفته ام که: «مادام که به قرآن و امامان تمسک کنید، گمراه نخواهید شد.»

هان مردمان! تقوا را، تقوا را رعایت کرده از سختی رستخیز بهراسید همان گونه که خداوند عزوجل فرمود: «البته زمین لرزه ی روز رستخیز حادثه ی بزرگ است...»

مرگ، قیامت، و حساب و میزان و محاسبه ی در برابر پروردگار جهانیان و پاداش کیفر را یاد کنید. آن که نیکی آورد، پاداش گیرد. و آن که بدی کرد، بهره ی از بهشت نخواهد برد.

بخش یازدهم خطبه غدیر: بیعت گرفتن رسمی

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّكُمْ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تُصَافِقُونِي بِكَفِّ وَاحِدٍ فِي وَفْتٍ وَاحِدٍ، وَقَدْ أَمَرَنِي اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ أَنْ أَخُذَ مِنْ أَلْسِنَتِكُمُ الْإِقْرَارَ بِمَا عَقَدْتُ لِعَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَلَمَنْ جَاءَ بَعْدَهُ مِنَ الْأَيِّمَةِ مِنِّي وَمِنْهُ، عَلِيٌّ مَا أَعْلَمْتُمْ أَنْ ذُرِّيَّتِي مِنْ صُلْبِهِ.

فَقُولُوا بِأَجْمَعِكُمْ: «إِنَّا سَامِعُونَ مُطِيعُونَ رَاضُونَ مُنْقَادُونَ لِمَا بَلَّغَتْ عَن رَّبِّنَا وَرَبِّكَ فِي أَمْرِ إِمَامِنَا عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ وُلِدَ مِنْ صُلْبِهِ مِنَ الْأَيِّمَةِ. نُبَايِعُكَ عَلِيُّ ذَالِكَ بِقُلُوبِنَا وَأَنْفُسِنَا وَالْأَلْسِنَتِنَا وَأَيِّدِنَا. عَلِيُّ ذَالِكَ نَحْيِي وَعَلَيْهِ نَمُوتُ وَ عَلَيْهِ نُبْعَثُ. وَلَا نَعْيُرُ وَلَا نُبَدِّلُ، وَلَا نَشْكُ (وَلَا نَجْحَدُ) وَلَا نَرْتَابُ، وَلَا نَرْجِعُ عَنِ الْعَهْدِ وَلَا نَنْقُضُ الْمِيثَاقَ.

هان مردمان! شما بیش از آنید که در یک زمان با یک دست من بیعت نمایید. از این روی خداوند عزوجل به من دستور داده که از زبان شما اقرار بگیرم و پیمان ولایت علی امیرالمؤمنین را محکم کنم و نیز بر امامان پس از او که از نسل من و اویند؛ همان گونه که اعلام کردم که ذریه من از نسل اوست.

پس همگان بگویید:

«البته که سخنان تو را شنیده پیروی می کنیم و از آن ها خشنودیم و بر آن گردن گذار و بر آن چه از سوی پروردگاران در امامت امامان علی امیرالمؤمنین و امامان دیگر - از صلب او - به ما ابلاغ کردی، با تو پیمان می بندیم با دل و جان و زبان و دست هایمان. با این پیمان زنده ایم و با آن خواهیم مرد و با آن اعتقاد برانگیخته می شویم. و هرگز آن را دگرگون نکرده شک و انکار نخواهیم داشت و از عهد و پیمان خود بر نمی گردیم.

وَعَظَّتْنَا بِوَعْدِ اللَّهِ فِي عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَيِّمَةِ الَّذِينَ ذَكَرْتَ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ مَنْ وُلِدَ بَعْدَهُ، الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَمَنْ نَصَبَهُ اللَّهُ بَعْدَهُمَا. فَالْعَهْدُ وَالْمِيثَاقُ لَهُمْ مَاخُودٌ مِنَّا، مِنْ قُلُوبِنَا وَأَنْفُسِنَا وَالْأَلْسِنَتِنَا

وَضَمَائِرِنَا وَأَيَّدِينَا. مَنْ أَدْرَكَهَا بِيَدِهِ وَ إِلَّا فَقَدْ أَقْرَبَ بِلِسَانِهِ، وَلَا نَبْتَغِي بِذَلِكَ بَدَلًا وَلَا يَرَى اللَّهُ مِنْ أَنْفُسِنَا جَوْلًا. نَحْنُ نُؤَدِي ذَالِكَ عَنْكَ الْدَانِي وَالْقَاصِي مِنْ أَوْلَادِنَا وَأَهَالِينَا، وَ نُشْهَدُ اللَّهَ بِذَالِكَ وَ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا وَأَنْتَ عَلَيْنَا بِهِ شَهِيدٌ

مَعَاشِرَ النَّاسِ، مَا تَقُولُونَ؟ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ كُلَّ صَوْتٍ وَ خَافِيَةٍ كُلِّ نَفْسٍ، (فَمَنْ اهْتَدَى فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا)، وَمَنْ بَاعَ فَإِنَّمَا يَبِيعُ اللَّهَ، (يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ).

مَعَاشِرَ النَّاسِ، فَبِأَيُّعُوا اللَّهَ وَ بِأَيُّعُونِي وَ بِأَيُّعُوا عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَالْأَيْمَةَ (مِنْهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ) كَلِمَةً بَاقِيَةً.

[ی رسول خدا] ما را به فرمان خدا پند دادی درباره ی علی امیرالمؤمنین و امامان از نسل خود و او، که حسن و حسین و آنان که خداوند پس از آنان برپا کرده است. پس عهد و پیمان از ما گرفته شد از دل و جان و زبان و روح و دستمان. هر کس توانست با دست و گرنه با زبان پیمان بست. و هرگز پیمانمان را دگرگون نخواهیم کرد و خداوند از ما شکست عهد نبیند. و نیز فرمان تو را به نزدیک و دور از فرزندان و خویشان خود خواهیم رسانید و خداوند را بر آن گواه خواهیم گرفت. و هر آینه خداوند بر گواهی کافی است و تو نیز بر ما گواه باش.»

هان مردمان! چه می گویند؟ همانا خداوند هر صدایی را می شنود و آن را که از دل ها می گذرد می داند. «هر آن کس هدایت پذیرفت، به خیر خویش پذیرفته. و آن که گمراه شد، به زیان خود رفته.» و هر کس بیعت کند، هر آینه با خداوند پیمان بسته؛ که «دست خدا بالای دستان آن هاست.

هان مردمان! اینک با خداوند بیعت کنید و با من پیمان بندید و با علی امیرالمؤمنین و حسن و حسین و امامان پس از آنان از نسل آنان که نشانه ی پایداری در دنیا و آخرت.

يُؤَلِّكُ اللَّهُ مَنْ عَدَرَ وَ يَرْحَمُ مَنْ وَ فَي، (وَ مَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ وَ مَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فُسِّيَوتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا).

مَعَاشِرَ النَّاسِ، قُولُوا الَّذِي قُلْتُمْ وَ سَلِّمُوا عَلَى عَلِيِّ بِأَمْرَةِ الْمُؤْمِنِينَ، وَقُولُوا: (سَمِعْنَا وَ أَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ)، وَ قُولُوا: (الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَ مَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ) الْآيَةَ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ فَضَائِلَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ - وَ قَدْ أَنْزَلَهَا فِي الْقُرْآنِ - أَكْثَرُ مِنْ أَنْ أُحْصِيَهَا فِي مَقَامٍ وَاحِدٍ، فَمَنْ أَنْبَأَكُمْ بِهَا وَ عَرَفَهَا فَصَدَّقُوهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، مَنْ يَطِيعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ عَلِيًّا وَ الْآيْمَةَ الَّذِينَ ذَكَرْتُهُمْ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا.

خداوند مکاران را تباہ می کند و به باوفايان مهر می ورزد. «هر که پیمان شکند»

جز این نیست که به زیان خود گام برداشته، و هر که بر عهدی که با خدا بسته پابرجا ماند، به زودی خدا او را پاداش بزرگی خواهد داد.»

هان مردمان! آن چه بر شما برگفتم بگویند و به علی با لقب امیرالمؤمنین سلام کنید و بگویند: «شنیدیم و فرمان می بریم پروردگارا، آمرزشت خواهیم و بازگشت به سوی تو است.» و نیز بگویند: «تمام سپاس و ستایش خدایی راست که ما را به این راهنمایی فرمود و گرنه راه نمی یافتیم» - تا آخر آیه.

هان مردمان! هر آینه برتری هی علی بن ابی طالب نزد خداوند عزوجل - که در قرآن نازل فرموده - بیش از آن است که من یکباره برشمارم. پس هر کس از مقامات او خبر داد و آن ها را شناخت او را تصدیق و تأیید کنید.

هان مردمان! آن کس که از خدا و رسولش و علی و امامانی که نام بردم پیروی کند، به رستگاری بزرگی دست یافته است.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، السَّابِقُونَ إِلَىٰ مُبَايَعَتِهِ وَ مَوَالِيهِ وَ التَّسْلِيمِ عَلَيْهِ بِأَمْرِ الْمُؤْمِنِينَ أُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، قُولُوا مَا يَرْضَى اللَّهُ بِهِ عَنْكُمْ مِنَ الْقَوْلِ، فَإِن تَخَفَرُوا أَنْتُمْ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً فَلَن يَضُرَّ اللَّهُ شَيْئاً.

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ (بِمَا أَدَّيْتُمْ وَأَمَرْتُمْ) وَ اغْضِبْ عَلَيَّ (الْجَائِدِينَ) الْكَافِرِينَ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

هان مردمان! سبقت جویان به بیعت و پیمان و سرپرستی او و سلام بر او با لقب امیرالمؤمنین، رستگارانند و در بهشت هی پر بهره خواهند بود.

هان مردمان! آن چه خدا را خشنود کند بگویید. پس اگر شما و تمامی زمینیان کفران ورزند، خدا را زیانی نخواهد رسانید.

پروردگارا، آنان را که به آن چه ادا کردم و فرمان دادم ایمان آوردند، بیامرزد. و بر منکران کافر خشم گیر! و الحمد لله رب العالمین